

حکیم صادق

زندگی، اندیشه، کارنامه، آثار و احفاد حکیم ملامحمد صادق اردستانی (۱۰۵۴-۱۱۳۴ ق)

غلامرضا گلی زواره^۱

چکیده

مقاله در مورد ملامحمد صادق اردستانی (۱۰۵۴-۱۱۳۴ ق.) است که زندگی، اندیشه، کارنامه، آثار و فرزندان و نوادگان او را نشان می‌دهد. نگارنده توضیحاتی در مورد تاریخ و جغرافیای اردستان، خاندان حکیم اردستانی، شرح حال و فهرست آثار شیعی جمال‌الدین اردستانی در قرن نهم، اساتید و شاگردان و معاصران و معاریف ملامحمد صادق اردستانی بیان می‌دارد. بیست مورد از آثار ملامحمد صادق اردستانی که عمدتاً فلسفی هستند، معرفی شده است. نگارنده همچنین دیدگاه مورخان و اندیشمندان در باره او را بیان می‌دارد و در باره نسبت دادن او به تصوف و ارتباط او با سلطان حسین صفوی بحث می‌کند.

کلید واژه

اردستانی، ملامحمد صادق - شرح حال و آثار و خاندان؛ اردستان - تاریخ؛ اردستان - دانشمندان؛ دانشمندان شیعه - قرن ۱۱ و ۱۲؛ اردستانی، جمال‌الدین - قرن نهم.

۱. پژوهشگر در حوزه تراجم‌نگاری دانشوران شیعه.



مولد و موطن

شهرستان اردستان با ۱۱۵۹۱ کیلومتر مربع وسعت، اندکی بیش از مساحت کشور لبنان، در شمال استان اصفهان قرار دارد. نواحی شمالی و شرقی آن را حاشیه غربی دشت کویر مرکزی و بخش‌های جنوب غربی آن را ارتفاعاتی پراکنده تشکیل می‌دهد. اقلیم آن در نقاط شمالی و شرقی گرم و خشک و در کوهستان‌های جنوب باختری ملایم و متمایل به خشکی هواست.^۱ این قلمرو دو بخش دارد: مرکزی متشکل از دهستان‌های کچو، زاغل، برازاوند، علیا، گرمسیر، همبرات و شیده. بخش زواره مشتمل بر دهستان‌های سفلی و ریگستان، آبادی‌های اردستان، زواره و مهاباد کانون‌های شهری آن را تشکیل می‌دهند. طبق جدیدترین آمارهای رسمی، میزان سکنه این شهرستان قریب به چهل و دو هزار نفر بوده است که در مقایسه با آمار سال ۱۳۶۵ شمسی رشد جمعیت آن منفی می‌باشد.^۲

در خصوص وجه تسمیه آن، جغرافی دانان، مورخان و محققان محلی نظرات متفاوتی ارائه داده‌اند، برخی این واژه را شامل دو واژه آرد به معنای پاک، روشن و مقدس، ستان به مفهوم مکان و جای دانسته‌اند و افزوده‌اند اردستان یعنی جایی پاکیزه و باقداست، اما عده‌ای را عقیده بر آن است که به دلیل وفور آسیاب‌ها، این ناحیه را اردستان نامیده‌اند، افرادی هم اردستان را ارگ دستان یعنی محل سکونت دستان فرزند زال تلقی کرده‌اند، چنان که از آن به عنوان ارگستان و ارجستان سخن گفته‌اند.^۳

مرکز شهرستان اردستان، شهری با همین عنوان است که در ۱۳۰ کیلومتری شمال شرقی اصفهان و ۳۵۰ کیلومتری جنوب شرقی تهران قرار دارد و حدود یک سوم سکنه شهرستان در این دیار سکونت دارند. وجود قلعه‌های کهن، قنات‌های قدیمی و نیز اسامی برخی از توابع آن، سابقه این منطقه را به عصر کیانیان می‌رساند عده‌ای از پژوهشگران، شهر قدیمی

۱. دانشنامه دانش گستر، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۵.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۲۸۶، آمار نامه رسمی سال ۱۳۹۰ شمسی مرکز آمار ایران.

۳. ساختمان لفظی زواره، محیط طباطبایی زواره‌ای، مجله آینده، سال ۱۸ (۱۳۷۱ ش) شماره ۱۲-۷؛ نظری به اردستان باستانی، همو، ماهنامه یغما، سال دوم (۱۳۲۸ ش) شماره سوم؛ سفرنامه صفاء السلطنه نائینی، ص ۷۹.

اردستان را با اردستان کنونی متفاوت می‌دانند و می‌گویند: این شهر در ایام قبل از اسلام، در ۲۴ کیلومتری شمال آن واقع بوده که آثار و خرابه‌هایش به نام لاسریه یا لاسون معروف است، زمین لرزه یا حرکت شن‌های روان، باعث از میان رفتن آن گردیده است، تپه‌های باستانی که در حد فاصله زواره و منطقه ریگستان واقع شده و نگارنده آن‌ها را مشاهده کرده است، از هویت این منطقه حکایت دارد.^۱

قنات ارونند که تنها کاریز دو طبقه جهان است، در واقع مایه اصلی شکل‌گیری شهر اردستان می‌باشد،^۲ مقدسی جغرافی دان قرن چهارم هجری این دیار را از آبادی‌های بزرگ حاشیه کویر می‌داند و می‌افزاید: علاوه بر اعتبار دینی، به عنوان مرکزی تجاری نیز از جایگاه ارزنده‌ای برخوردار بوده است.^۳

در عصر آل بویه، مذهب تشیع در این شهر رواج یافته، ولی مردمان برخی محلات اردستان تا عصر صفویه بر مذاهب اهل سنت باقی مانده‌اند. امیر اویس از بزرگان و کارگزاران شاه اسماعیل صفوی، مردی شجاع و دلاور بوده که در نبرد با مخالفان و معاندان، بعد از حماسه آفرینی در میدان نبرد، به شهادت رسیده و پیکرش با همان لباس رزم در اردستان دفن گردیده است و سنگ قبرش از آثار تاریخی این دیار به شمار می‌رود، البته در سال ۱۳۵۱ ش زره، کلاه خود و شمشیرش به موزه ایران باستان در تهران انتقال یافت. در عصر شاه عباس صفوی، تشیع در این منطقه گسترش یافت و بنا به فرمان وی که بر سنگی در دیوار مسجد جامع این شهر حک گردیده، شیعیان این خطه از تخفیف مالیاتی برخوردار گردیده‌اند. در اعصار گوناگون، مشاهیر متعددی از این ناحیه برخاسته‌اند که در عرصه‌های علمی، ادبی، عرفانی و هنری پرتو افشانی دانسته‌اند، مسجد امام حسن (ع) و مسجد جامع، بارگاه امامزاده اسماعیل و امامزاده ابراهیم، آرامگاه علما و نامداران هویت دینی و میراث فرهنگی و هنری این منطقه را به نمایش گذاشته‌اند.^۴

۱. زواره آرمیده بر کرانه کویر، دستنویس، ج ۱، ص ۲۴.

۲. نظری به اردستان باستانی، ص ۹۶.

۳. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۲، ص ۵۸۱ و ۷۱۷.

۴. تاریخ اردستان، ج ۱، ص ۲۸-۲۹ و نیز ص ۳۹؛ کویر هفت کاسه، ص ۴۴۹.

خاندان عارف و سخنور

نسب ملا محمد صادق اردستانی به ملا جمال الدین اردستانی از عرفا، سخنوران و مشاهیر قرن نهم هجری می‌رسد، زیرا او فرزند حاج محمد مهدی اردستانی فرزند مولانا قاسم اردستانی فرزند مولانا کمال الدین محمد اردستانی پسر جمال الدین مذکور می‌باشد.^۱

قطب عارفان و برگزیده سالکان، مولانا جلال الدین اردستانی، عارف، شاعر، مفسر، محدث و نویسنده بزرگی است، نامش احمد، لقبش جمال الدین و مشهور به محمد که در اشعار جمالی تخلص می‌نموده است. در برخی منابع این شخصیت را با ملا جمالی دهلوی و نیز ملا جمال الدین وحشت زواره‌ای خلط کرده‌اند. وی در بعضی آثار خود اشاره‌ای به نیاکان خویش دارد که در شیراز اهل ادب و هنر بوده‌اند، مشخص نمی‌باشد اجدادش چه زمانی و به چه دلیل از منطقه فارس به این ناحیه کوچ کرده‌اند. از زمان تولد هم آگاهی مستندی به دست نیامد، ولی از قرائن به دست می‌آید وی در اوایل قرن نهم هجری دیده به جهان گشوده است.^۲

جمال الدین اردستانی بعد از نشو و نما و گذراندن دوران کودکی، در زادگاه خود و نیز اصفهان، به فراگیری ادبیات و معارف معقول و منقول پرداخته و سرانجام در فنون حدیث، فقه، عرفان، تفسیر قرآن، حکمت عملی و نظری، ادبیات و سخنوری تبحر یافته است و به موازات تحصیل علوم گوناگون، در طریق تزکیه درون و صفای باطن و آراستن دل و ذهن به فضایل اخلاقی و کمالات معنوی مدارجی را پیموده است و با این مشعل نورانی به تألیف آثاری حاوی مضامین منثور و منظوم روی آورده است، مشخص نمی‌باشد ملا جمال الدین نزد چه کسانی درس خوانده و یا با هدایت چه افرادی مدارج عرفانی را پیموده است، اما شخصیتی که در تربیت عرفانی و اخلاقی وی تأثیر گذار بوده است، شیخ مرتضی علی اردستانی می‌باشد.^۳ جمال الدین اردستانی در برخی آثار خویش از جمله کتاب شرح الکنوز از این بزرگوار یاد می‌کند

۱. محبوب سیاه و طوطی سبز، ص ۲۲۱؛ دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۷۶.

۲. زندگی جمال الدین اردستانی، جزوه تایپ شده، ص ۴۰۱.

۳. میزان الحقایق، ج ۲۹، ص ۲۹۹، ۳۹۵.

و او را به عنوان تندیس معرفت و فضیلت می‌ستاید و می‌افزاید او بزرگی از اهل فضل، فرمانروای اهل تحقیق و آینه عارفان است که اهل معنا در سیر و سلوک به وی تأسی می‌نمایند و اگر بخواهم به شرح حالاتش بپردازم کاغذ و قلم بر نتابد.^۱

شیخ مرتضی علی اردستانی فرزند شمس الدین محمد، متولد ۷۸۲ ق و متوفی در ۸۵۷ ق که پدرش در خدمت شاه منصور مظفری بود و در یکی از جنگ‌ها کشته شد، مرتضی در این هنگام که کودکی پیش نبود به اردستان بازگشت و در محضر بزرگانی چون امام الدین نائینی و شیخ محمد زواره‌ای به تحصیل و تهذیب نفس مشغول شده و آن چه از میراث والد خود به یادگار داشت، به فقیران و افراد مستمند تقدیم کرد و در زادگاه خود به ارشاد و تربیت نفوس مشتاق پرداخت. مزارش در محله فهره اردستان قرار دارد.^۲

مروج معارف تشیع

ملا جمال الدین اردستانی به منظور کسب تجارب گوناگون معرفتی، دیدار با بزرگان علمی، ادبی و عرفانی، ترویج عقاید شیعی و آشنایی با سرزمین‌های دیگر، مسافرت‌های پیاپی و متعدد دانسته است و به حجاز، آذربایجان، قفقاز، خراسان، فارس، سوریه، عراق عرب و عجم، هند، چین و روم سفر کرده است، در این سیاحت‌ها وی با عبدالرحمن جامی، اُلغ بیک تیموری (متوفای ۸۵۳ ق) و جهان شاه قراقویونلو ملاقات‌هایی داشته است.^۳

مولانا جمال الدین اردستانی چنان که از آثارش بر می‌آید شیعه‌ای دوازده امامی است، که بازتاب اشتیاق توأم به معرفتش درباره عترت نبی اکرم (ص) آشکار و قابل مشاهده می‌باشد. در مثنوی نه‌ایة الحکمة می‌گوید: هیچ کلامی جامع‌تر از قرآن نیست و بدان که حضرت محمد (ص) اصل کائنات است و کونین از پرتو آن حضرت.^۴

۱. شرح الکنوز و بحرالرموز، ص ۱۱۲، ۱۱۹، ۳۵۲، ۳۵۹، ۳۸۶.

۲. اعلام اصفهان، ج ۲، ص ۱۹۹؛ تاریخ اردستان، ج ۲، ص ۳۴۴-۳۴۹.

۳. کتاب شرح الکنوز و بحر الرموز (مقدمه)، ص ۲۴-۲۷.

۴. دیوان جمالی اردستانی، ص ۲۳.

او در مثنوی فتح الأبواب به بیان واقعه غدیر خم پرداخته و از ولایت امیر المؤمنان (ع) سخن گفته است. در مثنوی احکام المحبین می‌گوید: این قدر بدان که تحقیق شده است که نور نبوت و عصمت در ذریه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) منتشر گردیده است.^۱ جمال الدین محمد اردستانی در قصاید، غزلیات و غالب مثنوی‌های خویش به وضوح، اعتقاد و علاقه به چهارده معصوم (ع) را بیان کرده است. در ترکیب بندی سروده است:

به حق نور محمد که شمع هر دو سراسر استبه
حق شاه دو گیتی که والی و والاست
به خلق و خوی امامی که جام زهر کشید
که کام جان امام است و میوه زهر است
به خون پاک شهیدی کزو شهادت یافت
هزار نطفه طاهر به ورق او شهداست
به نور زین عباد و به باقر آن که یقین
به حلم و علم لدنی چو او نرست و نخاست
به مهر جود صادق که داد تقوا داد
که ریخت در حقایق چو موج بحرش برخاست
به جود و شرم و حیا و تلطف کاظم
که هیچ میل نکرد به جانبی که هواست
به حق آن شه عالم که در خراسان او
عدوی خویش به قدر و ز لطف خود آراست
به جان پاک تقی و به نور پاک نقی
که شیر بشریت ایشان ز عالم تقواست

۱. همان، مقدمه مصحح.



به آفتاب جمال حسن که عسکری است
 به رهنمایی مهدی که شاه هر دو سراسر است^۱
 وطن اشتیاق را کربلا می‌داند:
 عشق و لیکن وطنش کربلاست
 هر که حسینی است بلاخور بود
 درباره عصر ظهور می‌گوید:
 دور مهدی گنج‌ها پیدا شود
 بهر آن عالم پر از غوغا شود
 لیک اندر سایه قطب زمان
 دیو نتواند زند بر گنج جان
 و در مثنوی دیگر گفته است:

کیست ندا می‌کند چون نفس جبرئیل
 مهدی صاحب زمان ساقی ما مرتضی
 اوست چو خورشید دل جمله انوار از اوست
 وین شرف دین ضیاء یافته از مصطفی^۲

جمال اردستانی عقیده دارد شرط وصول به سنت نبوی پیروی از اهل بیت اوست، از آثار و افکارش بر می‌آید که هنگام بیان عقاید خویش و تبیین مقامات معصومین، آزادی کافی نداشته و مخالفانش این گونه گرایش‌های وی را بر نمی‌تابیده‌اند و حتی در معرض تهدید معاندان نیز بوده است، به همین دلیل آماج بلاهای گوناگون گردیده و حتی کمر به قتل وی بسته‌اند. در شرح کنوز آورده است:

۱. همان، ص ۵۱.

۲. همان، ص ۷۱.

مگر اصل خاک من از کربلاست
که در جام جانم نیبند بلاست
که میراث دارم از باب خود
که سیراب گردم از خوناب خود^۱

مواریث ارزنده و آموزنده

تعصب‌های افراطی برخی از طریقه‌های صوفیه و مصادره این شخصیت به نفع خود، خصومت افراد تنگ نظر و تُنک مایه و سطحی نگر و نیز تنگناهایی که عده‌ای از عوام پیرو مذاهب دیگر برای جمال الدین محمد به وجود آورده‌اند، باعث گردیده فرازهایی از حیات فکری، عرفانی و معرفتی او در پرده‌ای از ابهام فرو برود و آثارش کم رنگ شود، در حالی که وی بین اهل ادب و عرفان به کثرت آثار معروف است، میراثی مکتوب که غالباً ترکیبی از نظم و نثر است و تمایلات شیعی از آن‌ها هویدا است.^۲

این آثار گرچه حاوی تعالیم و تعبیر عرفانی است، ولی به زبان ساده، صریح و دور از تکلف بیان گردیده و از لفاظی و صورت پردازی تا حد امکان خالی است. او اگر چه در اکثر دانش‌های ادبی و فنون سخنوری متبحر و متخصص است، ولی مضمون و محتوا برایش اهمیت افزون تر داشته است.^۳ به گفته ذبیح الله صفا جمال اردستانی در نظم و نثر توانا و دارای آثار متعدد می‌باشد.^۴

برخی از آثارش عبارتند از: تنبیه العارفين، محبوب الصديقين، بیان حقایق حضرت مصطفی (ص)، مصباح الأرواح، احکام المحبین، نهاية الحکمة، بداية المحبة، هدایة المعرفة، فتح الأبواب، شرح الواصلین، مرآة الإفراد، مفتاح الفقه مهر افروز، مثنوی فضیلة

۱. شرح الکتوز، ص ۱۶۲.

۲. جست و جو در تصوف ایران، ص ۳۳۳.

۳. میزان الحقایق، مقدمه محمود مدبری بر، ج ۲۹، ص ۳۹۶-۳۹۷.

۴. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۵۵.

العقل، میزان الحقایق، دیوان اشعار، شرح الکنوز و بحر الرموز، نصرت نامه، فرصت نامه، مرآة الحیب، کشف الأرواح و...^۱

او برای شرح عقاید و افکار خویش غالباً به نظم تمایل دارد و خود می‌گوید: گوش به نظم دار که در نثر حجاب نورانی هست، بیشترین آثارش مثنوی‌های اوست که در آن‌ها برای اولین بار نظم و نثر را در کنار هم آورده است، در واقع هر وقت خواسته نکته، آیه یا حدیثی را توضیح داده و تبیین نماید، ابتدا در قالب مثنوی منشور آن را بیان کرده و در ادامه به تشریح مباحث، به صورت منظوم می‌پردازد. در پرداخت مثنوی به مولانا جلال الدین در قصاید، ترجیع بندها، قطعات، ترکیب بندها و مستزادها اقتدا کرده و بیشتر به بیان باورهای شیعی خود پرداخته و مدح و منقبت رسول اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) در این قوالب به وفور دیده می‌شود و می‌توان آن‌ها را از بهترین نمونه‌های ادبیات آئینی و ستایش رهبران دینی دانست، غزل‌های او دو دسته می‌باشد، بخشی از آن‌ها همچون قصایدش مضامینی در مدح و منقبت اهل بیت (ع) دارد، و بقیه محتوایی عرفانی و اخلاقی دارند و جذاب، با حلاوت و تأثیر گذارند. رباعیات جمالی اردستانی اشعاری سلیس و رسا هستند که در بیان نکات اعتقادی، گرایش‌های فکری و عرفانی از آن‌ها بهره برده است. نثرش آمیخته به آیات، احادیث و برخی مفاهیم و تمثیلات متداول در فرهنگ اسلامی و بومی است، مطالبی را که در قالب نثر، می‌نویسد روان، ساده و قابل فهم می‌باشد. وی در نظم و نثر به وقایع عصر خویش اشاره کرده است.^۲

بازماندگان

جمال الدین اردستانی در سال ۸۷۹ ق رحلت نموده، یا به قتل رسیده و پیکرش در جوار مرقد استادش شیخ مرتضی علی در محله فهره اردستان دفن گردیده است.^۳

با توجه به اشاراتی که جمال الدین در کتاب مرآة الأفراد دارد و نیز نوشته یکی از پسرانش در رساله فوائد و با توجه به شجره خانوادگی که برای خاندانش تنظیم گردیده است، ملا جمال الدین

۱. فرهنگ ایران زمین، ج ۲۹، ص ۳۹۳-۳۹۴.

۲. شرح الکنوز و بحر الرموز، مقدمه مصحح، ص ۶۶-۷۱.

۳. ریحانة الادب، ج اول ص ۲۲۸، تاریخ نظم و نثر در ایران، ص ۲۴۴.



پنج پسر به اسامی عمید الدین و المله، شیخ کریم الدین عبدالسلام، خواجه شمس الدین محمد، زین الدین علی و کمال الدین محمد داشته است. از مکاتیبی که وی خطاب به پیروان، یاران و شاگردان خویش نوشته است، چنین بر می‌آید که عمید بر دیگر فرزندانش مقدم بوده و از وی با تکریم و احترام ویژه‌ای یاد می‌نماید، اما نسل این عارف بزرگوار از طریق کمال الدین محمد ادامه می‌یابد و احفاد و نوادگانش در اردستان، اصفهان، یزد و تهران پراکنده بوده‌اند.^۱

از جمله آنان ملا رمضان علی نسیانی است که در اشعار کوچک علی تخلص می‌کرد، فرزند حسین فرزند علی فرزند حسین فرزند ابو طالب نسیانی، از نوادگان جمال الدین مذکور می‌باشد که در ۱۲۷۲ ق در روستای نسیان مرکز دهستان برزاوند از توابع شهرستان اردستان به دنیا آمد و نوزدهم صفر ۱۳۳۷ ق در اردستان در گذشت. غالب سروده‌های وی در رثای اهل بیت (ع) و به خصوص خامس آل عبا حضرت امام حسین (ع) می‌باشد، که در هیأت‌های عزاداری، مراسم سینه زنی و تعزیه خوانی از آن‌ها استفاده می‌شده است. کوچک علی هفت پسر داشته که همگی تحصیلات حوزوی داشته‌اند، ولی دو نفرشان مورد توجه پدر بوده و در روند تعلیم و تربیت و شکوفایی استعداد آنان اهتمام به عمل آورده و هر کدامشان منزلتی در علم، فضل و ادب به دست آورده‌اند.

حاج ملا محمد حسین فرزند رمضان علی در ۱۲۹۲ ق / اسفند ۱۲۵۳ ش در نسیان دیده به جهان گشود، بعد از سپری کردن ایام کودکی، پدرش او را به فراگیری کمالات دینی و ذوقی ترغیب کرد. از همان سنین آثار فراست در وی ظاهر بود، شعر را نیکو می‌سرود، خط را خوش می‌نوشت و از زبان و ادبیات عربی و فارسی بهره داشت، در علوم غریبه خصوص دانش جفر به موفقیت‌هایی دست یافته بود. وی هنگام تحصیل در اصفهان، ساکن مدرسه جدّه کوچک بوده و با دهقان سامانی معاشر و گفتگوهای داشته است. ملا محمد حسین در اشعار، نخست ذره تخلص می‌کرد، ولی بعدها تخلص فائق را برای خود برگزید. در سروده‌های او

۱. مرآة الافراد، تصحیح حسین انبسی پور، ص ۱۹۳، ۲۳۹، ۲۵۵، تاریخ اردستان، ج ۱، ص ۴۶، شرح حال جلال‌الدین

اردستانی، غیر مطبوع، ص ۳۴.

مناقب و مراثی اهل بیت رسول اکرم (ص) دیده می‌شود. فائق به دلیل برخورداری از ادب، فضل و هنر خطاطی، غالباً به شغل مکتب داری می‌پرداخت. وی در سال ۱۳۷۹ قمری مطابق ۱۳۳۹ شمسی در گذشت.^۱

جویباری که در کویر جاری شد

دو سال از روی کار آمدن شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) فرمانروای دولت صفویه سپری گردیده بود که حاج شیخ محمد مهدی اردستانی نواده جمال الدین محمد اردستانی، به سال ۱۰۵۴ قمری صاحب فرزندی گردید که او را محمد صادق نامید، بدان امید که این طفل نورسته در آینده در ترویج تعالیم حضرت محمد (ص) صادقانه، اهتمام بورزد. پدر اظهار امیدواری نمود که این نهال نو پا بعد از شکوفایی، افتخاراتی را برای خاندانش رقم بزند و راه نیاکان خود را در معرفت و فضیلت ادامه دهد.^۲

برخی منابع از زمان تولد این حکیم اظهار بی اطلاعی کرده‌اند و نیز عده‌ای از رجال نگاران و مورخان وی را فرزند محمد معروف به سید معز الدین فرزند ظهیر الدین محمد اردستانی نزیل حیدر آباد دکن و مشهور به لویزان یا میرمیران، از علما و فقهای قرن یازدهم هجری دانسته‌اند. در صورتی که ملا معز الدین از سادات حسینی و از معاصرین حکیم ملا محمد صادق اردستانی است، که بعد از گذراندن دوران کودکی و نوجوانی در اردستان، عازم اصفهان گردید و در حوزه این شهر به فراگیری معارف اسلامی مشغول گردید و بعد از کسب معلومات متداول، به هندوستان رفت و در حیدر آباد دکن اقامت گزید و مورد توجه سلسله قطب شاهیان قرار گرفت، این خاندان در نشر اسلام و گسترش مذهب تشیع در سرزمین دکن هند کوشیدند، برخی مشاهیر شیعه به این ناحیه هجرت کردند تا این فرمانروایان را در تلاش‌های علمی، فرهنگی و ارشادی یاری دهند، سید معزالدین کتابی به نام حدیقة الشیعة

۱. آتشکده اردستان، بخش سوم، ص ۵۴۰ و ۵۵۱، یادداشت محمد حسن رجائی زفره ای؛ راهنمای کتاب، ج ۲۰ (سال ۱۳۵۶ ش)، ص ۵۰۳؛ یادداشت‌های دست نویس استاد مرتضی شفیعی اردستانی؛ چننه درویش، ج ۱، ص ۳۹؛ در شهر نی سواران، ص ۱۲۱.
۲. دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۷۶؛ دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۶؛ تاریخ ایران زمین، ص ۲۸۰.



نوشت که در ۱۰۵۸ ق از تألیف آن فارغ گردید و آن را تحفه مجلس عبدالله قطب شاهی قرار داد. عده‌ای از فهرست نگاران عقیده دارند این اثر همان حدیقة الشیعة معروف از مقدس اردبیلی است و اردستانی تصرفات و تغییراتی در آن آورده است، وی با حذف مقدمه و حذف برخی مباحث این اثر را به نام خود تنظیم نموده است. کتاب دیگر وی هدایة العالمین نام دارد که موضوع آن درباره اثبات امیرالمؤمنین علی (ع) با توجه به آیات قرآن و احادیثی که مورد اتفاق مذاهب اسلامی است، می‌باشد. سید معزالدین بنا به امر ابن خاتون عاملی تفسیری بر سوره هل اتی نوشت که در رجب ۱۰۴۴ ق از نگارش آن فراغت یافته است.^۱

بر ساحل اقیانوس دانش و اندیشه

ملا محمد صادق در حدود سال ۱۰۷۴ ق مقارن با واپسین سال‌های حکومت شاه عباس دوم، از زادگاه خود اردستان، به اصفهان مهاجرت نمود و در یکی از مدارس این شهر حجره‌ای گرفت و خود را برای کسب معارف متداول مهیا ساخت. این دیار از سال ۱۰۰۰ هجری توسط شاه عباس کبیر (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) به عنوان مرکز دولت مقتدر صفویه تعیین گردید و از آن زمان اصفهان به عنوان امّ القرای شیعیان به کانون علمی و فرهنگی تبدیل گشت.^۲

عده‌ای از تربیت یافتگان مکتب میر داماد (متوفی ۱۰۴۱ ق) در هماهنگی بین باورها و اعتقاد شیعه با بنیادهای فلسفی کوشیده و در مباحث حکیمان سلف بازنگری نمودند و نوشته‌های با اهمیت و بدیعی از خود به یادگار نهادند که در آنها مفاهیم، تأملات و نکات اساسی مورد بحث در فلسفه اسلامی از علوم و معارف اهل بیت کمک می‌گیرد. برخی نیز آموزه‌های اشراقی و مشایی را با یکدیگر تلفیق کردند و تعلیمات جدیدی را پی ریزی کردند و در ترویج آن سعی وافر به کار بردند که تا فتنه افغان‌ها وضع بر این منوال باقی ماند. آنان بر این واقعیت تأکید نمودند که خردورزی و بحث‌های عقلانی در خدمت شریعت بوده و قادر

۱. طبقات اعلام الشیعة، ج ۵، ص ۵۷۱؛ الذریعه، ج ۶، ص ۳۸۶؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۳۴۴؛ دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۶۶؛ آتشکده اردستان، ج ۲، ص ۲۷۶، ۲۷۷.
۲. علما و مشروعیة دولت صفوی، ص ۵۲؛ تاریخ ایران زمین، ص ۲۷۸؛ صفویه در عصر دین، فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۱۳۶؛ مقالات تاریخی، دفتر هفتم، ص ۴۰.

خواهد بود اصولی را که دین با یقین و اطمینان به مسلمانان آموخته است به مدد استدلال ثابت کند، یعنی تمامی ظرفیت‌های عقلی و فکری در دفاع از ارزش‌های عقیدتی به کار می‌رود، اگر موازین برهانی مراعات گردد هیچ‌گاه با موازین مورد تأکید تشیع تعارض ندارد. ملا محمد صادق برکرانه چشمه‌ای قرار گرفت که سه طریق برهان عقلی، شهود قلبی و باطنی را با روایات منقول از معصومین چنان انس داده که مشربی محققانه و ابتکاری را بنیان نهاده است. مبدع و مبتکر این نگرش ملاصدررا است که آن را حکمت متعالیه نامید و عده‌ای از دانشمندان و حکیمان در مکتب این فیلسوف فرزانه تربیت شدند و از اصول فلسفه وی متابعت کردند. در واقع مدرسان مزبور وارث نحله‌ای گردیدند کلی آن عصاره افکار فلاسفه سلف، اعتقادات اسلامی و افکار تشیع به صورت فلسفه کمال یافته‌ای شکل گرفت، همان تعالیمی که در ادوار بعد بلا معارض حاکم بر حکمت و تفکر ایران بوده و تمام دانشمندان این عرصه از فیض آن برخوردار گردیده‌اند. بزرگانی که در تعلیم و تربیت حکما و انتقال علوم عقلی به نقاط دیگر نقش اساسی ایفا نموده‌اند.^۱

در پرتو فروغ فروزان ستارگان علم و عمل

محمد صادق اردستانی بعد از استوار نمودن معلومات ادبی و معارف زیربنائی، به محضر شخصیت‌های ذیل راه یافت تا در پرتو توانایی‌های آنان در علوم نقلی و عقلی بهره‌بردار.

۱- ملا محسن فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ ق)

وی چندی در شیراز حوزه درسی سید ماجد بحرانی را درک کرده و از او اجازه نقل روایت گرفت، آن‌گاه در اصفهان نزد شیخ بهایی تلمذ کرد، مدتی نیز به تحصیل در مجلس ملاصدرای شیرازی اشتغال داشت و به دامادی او مفتخر شد. وی دانشمندی محدث، فقیه و متفکر بود که از مراتب معقول و منقول کمال بهره‌وری را داشت. فیض کاشانی در مقام

۱. تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۴۷۶-۴۷۷؛ حکیم استرآباد میر داماد، ص ۵۲-۵۳ و نیز ص ۱۷۸-۱۷۹؛ آشنایی با فلسفه اسلامی، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ دیدار با فیلسوفان اصفهان، ص ۱۵۰؛ سهم اصفهان در فرهنگ جهان، محیط طباطبایی زواره‌ای، در مجموعه مقالات پنجمین کنگره تحقیقات ایرانی، ج اول، ۸۷-۸۹.



فضیلت به پایه‌ای ارتقا یافت که در میان اقران معاصرش کم نظیر گردید و در مدارج معرفت کمتر همتایی داشت. وی از پیشروان جمع بین اصول شریعت، حکمت و معنویت به شمار می‌رود و با بسط مبانی حکمت نظری و انطباق آن با موازین شرعی از سایر دانشمندان ممتاز گردید و در کثرت و تنوع سرآمد معاصرین خویش می‌باشد. گرایش وی به مباحث عرفانی باعث گردیده بود که عده‌ای او را به تمایلات صوفیانه متهم کنند، اما خودش اهل تصوف را به دلیل فاصله گرفتن از اصول اعتقادی و شرعی نکوهش می‌نماید، از آن سوی افرادی را که درباره حکمت و عرفان دیدگاه‌های سطحی و منجمد دارند، مورد انتقاد قرار می‌دهد.

ملا محمد صادق در حدیث، حکمت، عرفان، کلام و مباحث ادبی و ذوقی نزد این عالم ربانی شاگردی کرد و در ایامی که مشغول کسب فیض از محضرش بود، متوجه این واقعیت گردید که استاد مذکور راه و روش سلوک عرفانی را از قرآن و حدیث به دست آورده و شریعت را براق معراج شهود می‌داند. حبّ و ولایت پیامبر و اهل بیت او زاد راهش است و مقام نمودن در بیت ولایت ائمه هدی قله آرمان و مطلوب اوست، در طریق صعود معنوی، عمل به میزان‌های شرعی را معبر شهود حقایق و نائل گردیدن به لقاءالله می‌داند و ساختار و بنیان این شیوه را سنت رسول اکرم (ص) و عترت او معرفی می‌کند. همچنین این مربی عالی مقام در فن تفسیر، صاحب ذهنی صاف و در دانش حدیث و رجال، واجد درک وافیه بوده و به فیض حق تعالی حکمت را با ایمان و عقل را با نقل و ذوق ادبی را با شمه عرفانی جمع نموده است.^۱

۲- ملا رجبعلی تبریزی (متوفی ۱۰۸۰ ق)

حکیم بلند پایه حوزه اصفهان در قرن یازدهم هجری و معاصر شاه عباس ثانی که نباید او را با ملا رجبعلی بُرخواری اصفهانی از اعلام قرن سیزدهم هجری یکی گرفت. وی در حوزه اصفهان به تحصیل حکمت پرداخت و در گرایش به حکمت ابو علی سینا و فلسفه مشاء، از استادش میر سید ابوالقاسم حسینی موسوی فندرسکی استرآبادی تأثیر پذیرفته

۱. روضات الجنات، ج ۶، ص ۸۰؛ دایرة المعارف تشیع، ج ۱۲، ص ۲۲۷-۲۲۸؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۲۶؛ مقدمه دیوان فیض کاشانی، ص ۲-۳؛ حکیم متاله بیدآبادی، ص ۱۹۷؛ علما و مشروعیت دولت صفوی، ص ۲۰۱، ۲۰۲.

است. برخی احتمال داده‌اند سید محمد باقر حسینی مشهور به میرداماد استاد او بوده است. رجبعلی با احاطه‌ای که بر آثار و افکار ابن سینا داشت، در مدرسه شیخ لطف الله اصفهان به تدریس حکمت مشاء پرداخت. محمد صادق اردستانی در زمره فراگیرانی است که در این مکان از محضرش فیض می‌برد و تا اواخر عمرش به درس او حاضر می‌گردد. مدتی که از استفاده علمی و حکمی وی از این محفل سپری گردید، محمد صادق به این واقعیت پی برد که این حکیم در عرصه‌های کلامی و فقهی هم تبحر دارد و در تزکیه درون، پارسایی و وارستگی مدارجی نورانی را پیموده است. در اندیشه‌ها و آموزه‌ها نحله مستقلی را تشکیل داده که می‌توان از آن به عنوان جریان یا مکتب رجبعلی تبریزی یاد کرد. محمد صادق علاوه بر فراگیری مباحثی از شفا و اشارات ابن سینا نزد این مدرّس پر آوازه، در کلام اسلامی، برخی مباحث تفسیری از شعاع اندیشه‌اش فروغ گرفته است. حکیم اردستانی در مکتب این دانشمند به اقلیم متفاوتی از فلسفه گام نهاد، استاد در مجالس درس خود برای شاگردانی چون او، این اصل را تشریح کرد که بین وجود واجب و ممکن تباین وجود دارد. و اصل و مبنای وجود، فراتر از وجودی است که در ذهن ما متصور می‌گردد، بنابراین وحدت وجودی که شامل وجود خالق و مخلوق باشد، درست نخواهد بود، او در بحث‌های حکیمانه خود، از احادیث معصومین (ع) کمک می‌گرفت و فرموده‌های ائمه هدی پشتوانه مهمی برای اندیشه‌ها و آموزه‌هایش به شمار می‌رفت. رساله‌ای که در موضوع معاد به نگارش در آورد در واقع تقریر بحث‌های اوست که محتوایش بر معارف شریعت انطباق دارد. ملا محمد صادق از تعالیم فقهی این شخصیت نیز استفاده کرد و مشاهده نمود وی در این عرصه دارای دیدگاه‌های با ارزشی می‌باشد. از باب نمونه در فقه از قائلان به وجوب تخییری نماز جمعه می‌باشد، اما ژرف اندیشی و پژوهش‌های او در موضوعات عقلی، این جنبه از توانایی رجبعلی تبریزی را در حاشیه قرار داده است.^۱

۳- شیخ حسین تنکابنی (متوفای ۱۱۰۴ ق)

۱. اعلام اصفهان، ج ۳، ص ۴۴؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، ص ۴۸۱؛ فمصر الخاقانی، ج ۲، ص ۴۸؛ تذکره نصرآبادی، ج ۲، ص ۴۸؛ تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۴۸۱، ۴۸۲؛ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۸.



حسین فرزند ابراهیم، حکیم، شارح، مدرّس و محقق عالی مقام، که غیر از شیخ حسن تنکابنی از علمای جامع معقول و منقول اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری می‌باشد. تنکابنی در زمره بزرگان شاگردان ملاصدرا است که مورد عنایت خاص استادش صدر المتألّهین بوده است. ولی وقتی در حوزه اصفهان بر کرسی تدریس قرار گرفت، مفاهیم و مسائل دشوار فلسفی را شرح و بیان می‌کرد، در تبیین آرای استاد مذکور توانایی کافی داشت و بعد از تشریح اندیشه‌های ملاصدرا و دیگر حکمای اسلامی دیدگاه خود را مطرح می‌کرد. این حکیم عارف به زهد و قناعت تمایل داشت و به زخارف، مقامات و مناسب دنیوی بی‌اعتنایی نشان می‌داد و اکثر اوقات را به عبادت، ذکر و دعا می‌گذرانید و در عین حال از تألیف نگارش و تدریس مضایقه نداشت و آثار متعددی در فلسفه، کلام و عرفان از خود به یادگار نهاده است، ملا محمد صادق این توفیق را به خود اختصاص داد تا از پرتو افکار و اندیشه‌های او در مباحث عقلی استفاده کند و تحت تأثیر حالات روحانی و فضایل اخلاقی قرار گیرد، عالم اردستانی به تبخّر این مدرّس وارسته در موضوعات اشراقی پی برد و برایش روشن گردید که مرحوم تنکابنی ضمن وفاداری به تعالیم ملاصدرا، خود دارای دیدگاه‌هایی بدیع در حکمت عملی، عرفان و کلام اسلامی می‌باشد.

شیخ حسین در اواخر قرن دوازدهم هجری به حجاز رفت و در مکه مکرمه با علمای اهل تسنن درباره امامت امیرالمؤمنان علی (ع) و حقانیت شیعه مباحثه نمود و در این جدال احسن به دلیل طرح نکات استدلالی و منطقی، بر آنان غالب گردید. این احتجاج بر مخالفان گران تمام شد و در صدد فرصتی بودند تا ایشان را مورد آزار و اذیت قرار دهند، تا آن که هنگام طواف وی در بیت الله الحرام، او را دستگیر کردند و نزد قاضی بردند و گواهی دادند شیخ حسین هتک حرمت خانه خدا را نموده است. سرانجام حکم تعزیر درباره‌اش صادر گردید و پس از آن که او را سخت کتک زدند از مکه بیرون نمودند. شیخ تنکابنی در اثر این ضربات و جراحات ناشی از آن دچار کسالتی شدید گردید و در سال ۱۱۰۴ ق قبل از رسیدن به مدینه

النبی درگذشت و پیکرش در منطقه رَبدَه، جوار مرقد ابوذر غفاری، دفن گردید.^۱

یک نکته: برخی ملا محمد صادق اردستانی را شاگرد مبرز و تلمیذ خاص میرفندرسکی دانسته‌اند در حالی که این موضوع صحت ندارد و آنچه در این باره ادعا گردیده است با توجه به قرائن تاریخی، از درجه‌ی اعتبار ساقط است. یادآورد می‌گردد در روضة الصفا نگاشته رضاقلی خان هدایت، ج ۸، ص ۵۸۶، دانشنامه‌ی تخت فولاد، ج ۱، ص ۱۵۶ و تاریخ نهضت فکری ایرانیان اثر عبد الرفیع حقیقت، ص ۱۵۰۹ (چاپ ۱۳۶۸ ش)، این موضوع دیده می‌شود. البته خود ملا محمد صادق گفته است: بعد از وفات میر فندرسکی به مدت بیست ماه هر روز در تخت فولاد اصفهان، به مزارش می‌رفتم و از روح پرفتوحش استمداد می‌طلبیدم، تا مشکلات علمی و آموزشی در مباحث فلسفی برایم حل گردد.^۲ چنانکه آقایان سید جلال‌الدین آشتیانی (در شرح مشاعر لنگرودی، ص ۲۵، ۱۳۴۲) و صدوقی سُها (در تاریخ حکما و عرفای متاخرین صدرالمتألهین، انجمن حکمت و فلسفه‌ی ایران، ۱۳۵۹، ص ۲۷) مدعی هستند که اردستانی شاگرد محقق لاهیجی (متوفی ۱۰۷۲ ق) نیز بوده است، که با توجه به سفر اردستانی در ۱۰۷۴ ق (دو سال پس از وفات لاهیجی) برای دانش‌آموزی در حوزه اصفهان، نادرست می‌نماید.

تربیت یافتگان حکیم

مستفیدان محضرش غالباً افراد مستعد، فاضل و جامع علوم عقلی و نقلی بودند.^۳ در ذیل به شرح حال اجمالی شاگردان وی اشاره می‌شود:

۱. اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۴۶۳؛ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۴؛ روضات الجنات، ج ۳، ص ۲۶۹؛ طبقات اعلام الشیعة، ج ۵، ص ۵۹۳ و نیز ج ۶، ۱۹۱-۱۹۲؛ بزرگان تنکابن، ص ۹۳-۹۵؛ دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۲۳؛ تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۳۵۷-۳۵۸؛ تاریخ حکما و عرفای متأخر، ص ۸۵.
۲. ریاض الشعراء، ج اول، ص ۱۸۳.
۳. شرح مقدمه قیصری، ص ۳۱؛ رسایل حکیم سبزواری، مقدمه جلال‌الدین آشتیانی، ص ۱۰۴، ۱۲۴ و ۱۲۸؛ حکیم متألّه بیدآبادی، ص ۲۰۴، ۲۳۸؛ شواهد الربوبیة، مقدمه آشتیانی، ص ۱۲۱؛ مجموعه آثار حکیم صهبا، ص ۷۴؛ منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۴، ص ۵۸؛ تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۴۹۱.



۱. ملا حمزه گیلانی (متوفای ۱۱۳۴ ق)

حکیم، مدرّس و مؤلف آثار فلسفی و عرفانی که در قرن دوازدهم هجری در اصفهان می‌زیست، و از بزرگان شاگردان ملا محمد صادق اردستانی و از دوستان و مقربان شیخ محمد علی حزین لاهیجی به شمار می‌رود. این دانشور گیلانی بعد از این که محضر حکیم مزبور را غنیمت شمرد و خود به کمالاتی نائل آمد، حوزه‌ی درسی گسترانید و در معرفی حکمت متعالیه و افکار ملاصدررا نقش مهمی ایفا کرد. حمزه گیلانی تقریرات درس استاد یاد شده را با عنوان قوی النفس مشهور به حکمت صادقیه، به رشته نگارش در آورد. استاد سید جلال الدین آشتیانی که این رساله را با مقدمه و توضیحاتی در کتاب منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، درج نموده است، می‌گوید: این اثر، تقریر درس حکیم اردستانی به قلم و تقریر حکیم دانا آخوند ملا حمزه گیلانی است و از او آثار دیگری در کتابخانه‌های ایران موجود است.^۱

تقریرات مزبور را محمد اسماعیل نامی، استنساخ نموده که ناقص بوده است و از ملا محمد علی فرزند محمد رضا خواسته است، آن را تمام کند و دیباچه‌ای بر این کتاب بنویسد، او هم، چنین کرده و کتاب را در ۲۸ فصل مرتب نموده است. رساله در تشکیک، رساله‌ای در موجود مفارق از ماده، رساله‌ای در باب تحقیق النفس و مسائلش، حاشیه‌ای بر تجرید الکلام خواجه نصیر طوسی و تعلیقاتی بر شفای ابو علی سینا در زمره دیگر آثار ملا حمزه گیلانی است.^۲

شیخ عبدالنبی قزوینی در معرفی وی می‌نویسد: فیلسوف اعظم و حکیم افخم ملا حمزه گیلانی در زمان استادش به غایت مشهور گردیده است و از اوست رساله‌ای در باب تحقیق نفس و مسائلش که با کتاب ششم از طبیعیات شفای ابو علی سینا برابر است، رساله تشکیک نفس را در ۱۱۴۹ قمری نوشته و معلوم می‌گردد این رساله‌ها قبل از فتنه افغان‌ها در اصفهان؛ به نگارش در آمده، شیخ عبدالنبی مذکور به فصل اول و دوم حکمت صادقیه حاشیه نوشته است.^۳

۱. دیوان تاریخ حزین، ص ۴۵؛ مرآة الاحوال جهان نما، ج ۲، ص ۹۴۴؛ دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۷۸.

۲. اعلام اصفهان، ج ۲، ص ۸۴۰-۸۴۱؛ طبقات اعلام الشیعة، ص ۲۲۸.

۳. تاریخ اردستان، ج ۲، ص ۳۱۵، به نقل از امل الآمل.

حزین لاهیجی نوشته است: حمزه گیلانی از اعظام تلامذه فیلسوف اعظم ملا محمد صادق اردستانی و از اصدقای من بود، در ایام محاصره اصفهان توسط افغانه، رحلت نمود.^۱

۲. محمد علی حزین لاهیجی (۱۱۰۳-۱۱۸۱ ق)

شیخ محمد علی فرزند شیخ ابوطالب از نوادگان عارف نامدار عطاء الله زاهدی لاهیجی، که در اصفهان متولد گردید و در سنین کودکی و نوجوانی به تحصیل علوم و معارف اسلامی اهتمام ورزید، آنگاه به خدمت استادان حوزه اصفهان همچون شیخ بهاء الدین گیلانی، کمال الدین حسین موسوی، عنایت الله گیلانی، سید حسین طالقانی، حکیم مسیحا و میرزا محمد طاهر قاینی شتافت، سپس به حوزه درسی فیلسوف نامدار ملا محمد صادق اردستانی به فراگیری حکمت و عرفان پرداخت و رفته رفته خود استادی مسلم و علامه بزرگ گردید و در حکمت نظری و معارف ذوقی و ادبی سرآمد اقران گردید.

حزین می گوید: پس به خدمت افضل الحکماء ابوالفضایل مولانا محمد صادق اردستانی که از متوطین اصفهان بود و به تدریس زمره‌ای از ادکیای فاضل می پرداخت، رسیدم و به استفاده مشغول شدم. به من عاطفتی بی پایان داشت و در خدمتش کتب مشهوره و غیر مشهور حکمیّه نظریه و علمیّه بسیار خوانده‌ام و حق آن فیلسوف کامل بر من زیاده از استادان دیگر است و تا هنگام رحلت او، استفاده من از خدمت ایشان منقطع نشد.^۲

حزین به مدت سی و دو سال از عمرش را در اصفهان سپری ساخت، اما در سال ۱۱۳۵ ق با فاجعه دل خراش یورش افغان‌ها گردید و در این تهاجم و حشیانه و خونین، دو برادر و عده‌ای از خویشاوندانش کشته شدند و او با ذهنی افسرده و دلی پژمرده و روحیه‌ای هراسان به خوانسار گریخت و به مدت ده سال از شهری به شهر دیگر می رفت، تا این که به عتبات عراق و حجاز پناه برد و در ۱۱۴۶ قمری به هندوستان عزیمت نمود و بقیه عمر را در نهایت رنجوری، ناراحتی و غم غربت، در آن قلمرو به سامان رسانید و سرانجام در بنارس هند وفات یافت و همانجا پیکرش دفن گردید.

۱. تاریخ و سفرنامه، ص ۶۵، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۳۱.

۲. تاریخ و سفرنامه، ص ۴۸؛ طرائق الحقایق، ج ۳، ص ۷۳؛ نام‌ها و نامداران گیلان، ص ۱۳۲.

حزین رادمردی غیور، دلاور سلحشور و با همت بوده و در همه جا به حمایت از محرومان و ستم دیدگان، در مقابل جفاکاران قیام می‌نموده است، وی در علوم و معارف گوناگون و ادبیات، آثار متعددی تألیف کرده که تعدادشان به حدود دویست اثر بالغ می‌گردد. حزین تقریر درس حکمت استاد خود مرحوم اردستانی را تحریر نمود، اما با آغاز فتنه افغانه آن را ناتمام گذاشته است.^۱

۳. محمد صالح خلخالی (۱۰۹۵-۱۱۷۵ ق)

محمد صالح فرزند محمد سعید که همچون استاد خود، از حکمای روزگار خویش به شمار می‌رفت، در برخی منابع به خطا وی را با سید محمد صالح فرزند سید محمد موسوی خلخالی (متوفی ۱۳۰۶) شاگرد حکیم میرزا ابوالحسن جلوه زواره‌ای، یکی گرفته‌اند. وی فلسفه و عرفان را از محضر ملا محمد صادق اردستانی فرا گرفت، در مقدمه شرح قصیده یائیه میرفندرسکی از این مربی خود به عنوان «استاد کامل فاضل» یاد می‌نماید.

غیر از اثر مذکور، وی آثاری در معقول و منقول دارد، از جمله رساله وحدت وجود، شرح دعای کمیل، الإبانة المرضیة در وقت و قبله، شرح مناقب، شرح وقت الزوال بالدائرة الهندیة، شرح عالم علوی (شرح یکی از احادیث منقول از امام علی (ع))، مرآة العقل، مرآة النفس، حاشیه بر مجموعه‌ای از تقریرات استادش محمد صادق اردستانی، رساله فی معرفة النفس، عروة الوثقی، سراج السالکین. فرزند و نواده‌اش هم از مشاهیر علمای تشیع بوده‌اند.^۲

۴. محمد صادق تفرشی (متوفی ۱۱۶۰ ق)

محمد صادق فرزند سید فضل الله فرزند سید نظام الدین که نسبش به حضرت زین العابدین (ع) منتهی می‌گردد. او متولد آبادی ترخوران تفرش می‌باشد که بعد از طی دوران

۱. طبقات اعلام الشيعة، ج ۶، ص ۵۱۷-۵۱۵؛ صفویه در عرصه فرهنگ و دین و سیاست، ج ۳، ص ۱۳۹۱-۱۳۹۲؛ نجوم السماء، ص ۳۰۶؛ رجال اصفهان، ج ۱، ص ۳۲۰-۳۲۱.
۲. الكواكب المنتشرة (طبقات اعلام الشيعة)، ج ۶، ص ۳۵۹ و ۳۶۹؛ الذريعة، ج اول، ص ۵۹ و ج ۱۴، ص ۱۵؛ دانشمندان آذربایجان، ص ۲۱۶؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، ج ۳، ص ۵۲۰؛ دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۹۶؛ کتاب شیعه، سال اول، شماره اول، ص ۱۰۸، ۱۲۰، ۱۲۱؛ تاریخ اردبیل و دانشمندان، ص ۲۵۴.

کودکی، در محضر دایی خود، عالم ربانی آقا مؤمن تفرشی مقدمات دانش‌های اسلامی و ادبی را آموخت. سپس برای ادامه تحصیل رهسپار قم و سپس اصفهان گردید، در سنین جوانی در خدمت فیلسوف عهد و اویس زمان، مولانا محمد صادق اردستانی به فراگیری حکمت، عرفان و آموزه‌های اخلاقی اهتمام ورزید و از اقران و امثالش ممتاز گردید. آقا صادق از رجال گمنام ادب و دانش، معارف دینی و حکم الهی است، معاصرین اش وی را به فضائل و کمالات ستوده‌اند. این حکیم عارف در نظم و نثر مهارت داشت، مجموعه آثارش را مرحوم تقی خاتمی گرد آورده و در سال ۱۳۵۰ شمسی به طبع رسانیده است. مرحوم تفرشی بعد از ارتحال استادش محمد صادق اردستانی، برای تعلیم و تربیت و مصاحبت رضا قلی میرزا فرزند نادرشاه افشار برگزیده شد، اما دیری نگذشت که مورد بدگمانی واقع و زجر فراوان بر او تحمیل شد. سرانجام از این مخمصه رهایی یافت و در جوار مشهد مقدس رضوی مقیم گردید، پس از انقضای دولت افشاریه، از خراسان عازم تفرش گشت، ولی در حدود سال ۱۱۶۰ ق در شهر ری در گذشت و پیکرش در باغ طوطی آستان حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) دفن شد. دکتر سید محمود حسابی از طرف مادر، از احفاد آقا صادق تفرشی می‌باشد.^۱

۵. میرزا محمد تقی اصفهانی شمس آبادی مشهور به الماسی (۱۰۸۹-۱۱۵۹ ق)

فرزند میرزا کاظم فرزند میرزا عزیز الله فرزند محمد تقی مجلسی، از بزرگان علما، حکما و فقهای اصفهان که از جدّ مادری خود علامه مجلسی حدیث روایت می‌کند، این حکیم فقیه و ادیب شاعر در زهد، پارسایی و پرهیزگاری، عبادت و ذکر به کمالاتی دست یافته بود. وی در حکمت و عرفان و کلام نزد ملا محمد صادق اردستانی شاگردی کرد و خود نیز حوزه‌درسی تشکیل داد و جمعی از بزرگان در خدمت وی حاضر می‌گردیدند و از او اجازه‌روایی دریافت می‌نمودند. از جمله آنان آقا محمد پیرآبادی و محمد باقر شریف رضوی قمی می‌باشند. بهجه الاولیاء، دیوان اشعار، غدیریّه (منظوم) و رسایل متعدد در موضوعات گوناگون فقهی از این فقیه حکیم

۱. محبوب سیاه و طوطی سبز، ص ۳۱۳؛ شاهنامه آخرش خوش است، ص ۱۱۵؛ سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ص ۳۶۴-۳۶۵؛ سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان، ص ۲۰۴-۲۰۶؛ تاریخ اردستان، ج ۲، ص ۳۱۵؛ فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی، ج ۷، ص ۲۲۲.



و محدث خبیر می‌باشد. در زمان حکومت نادر شاه افشار (۱۱۴۸-۱۱۶۰)، الماسی به سمت امام جمعه اصفهان منصوب گردید و این نماز را در مسجد جامع جدید عباسی اقامه می‌کرد و فیوضاتش به اهالی اصفهان می‌رسید، هنگام قرائت خطبه‌های نماز جمعه به شدت می‌گریست و از خوف الهی در حزن و بکاء بود. وی سرانجام در شعبان المعظم ۱۱۵۹ قمری در هفتاد سالگی در گذشت و پیکرش در بقعه علامه محمد باقر مجلسی، مقابل مرقد جدّ امجدش مجلسی اول دفن گردید.^۱

۶. مولا عبدالرحیم دماوندی رازی (۱۱۶۰ ق)

عبدالرحیم فرزند محمد یونس، حکیم، مفسّر، شارح، مؤلف و عارف شیعی در قرن دوازدهم هجری که حکمت، عرفان را از محضر محمد صادق اردستانی و محمد خلیل قائنی اصفهانی متکلم و حکیم متوفی در سال ۱۱۳۶ ق، آموخت. آن گاه به هند، شام، بغداد و نجف اشرف سفر و بالاخره در کربلای معلی مقیم کرد و در جوار آستان حسینی به تألیف و تحقیق روی آورد.^۲

سید عبدالله موسوی جزایری از او به عنوان دانشمندی با ذکاوت یاد می‌نماید و می‌افزاید او را در مشهد حسینی دیدم و درباره برخی مسائل با یکدیگر گفتگوهایی داشتیم، مدتی امام جماعت در مسجد مجاور حرم امام حسین (ع) بود.^۳

معروف‌ترین اثر دماوندی مفتاح اسرار حسینی نام دارد که آن را به زبان فارسی و در سی و هفت مفتاح که صبغه‌ای عرفانی و اخلاقی دارد، تنظیم نموده است،^۴ وی در مفتاح دوم این اثر می‌نویسد: در بیان دلیلی است از عالم ربانی و عارف حقانی، استاد مولانا محمد

۱. شرح رسالة المشاعر، ص ۱۷؛ تذکرة القبور، دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۱۸، ۲۱۹؛ مکارم الآثار، ج ۲، ص ۵۲۹-۵۳۰؛ فوائدالرضویة، ج ۲، ص ۷۰۵؛ حکیم متأله بیدآبادی، ص ۶۳-۶۴؛ مولانا محمد صادق اردستانی، غیر مطبوع، ص ۱۰.

۲. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، ص ۷۰۱-۷۰۲؛ دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۸۸؛ موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۲، ص ۲۶۰؛ اعیان الشیعة، ج ۷، ص ۴۰۷.

۳. الاجازة الکبیرة، ص ۱۴۴.

۴. طبقات اعلام الشیعة، ج ۶، ص ۳۵۹؛ الذریعة، ج ۲۱، ص ۳۷-۳۱۶.

صادق اردستانی قدس سره، که در اثبات مبدأ و معاد نوشته است و نفس این است که به این اختصار و تمامی تا حال کسی بیان ننموده است این مطلب را، و برای تیمن و تبرک در این کتاب نوشتیم.

مرحوم سید جلال الدین آشتیانی که کتاب حاضر را تصحیح کرده و در مجموعه منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران به طبع رسانیده است، در پاورقی می‌نویسد: این مفصل‌ترین کلامی است که در این باب از اردستانی نقل شده است و آن چه حقیر تاکنون دیده است، کمتر از ربع از مطلب مذکور در متن می‌باشد. دماوندی این کتاب را در سال ۱۱۴۹ به پایان رسانیده است.^۱ دیگر آثارش عبارت اند از: شرح حدیث الحقیقه، تفسیر آیه نور، تحقیق معنای وحدت وجود، الفیوضات الحسینیه در معارف و اسرار ایمانی به زبان فارسی، شرح کلام امیرالمؤمنین علی (ع)، حاشیه بر تفسیر صافی^۲ و... دماوندی که در مجاورت آستان حسینی ساکن گردیده بود، در سال ۱۱۶۰ قمری در کربلا در گذشت و پیکرش در همانجا دفن گردید.^۳

۷. سید قطب الدین محمد حسینی نیریزی شیرازی (۱۱۰۰-۱۱۷۳ ق)

فرزند ابو طالب، حکیم، عارف، ادیب و مدرس معارف اعتقادی که در ژرفا بخشیدن به بنیادهای کلامی، فلسفی و عرفانی شیعه اهتمام ورزید و حکمت معصومیه را بنیان نهاد. وی نخست در حوزه اصفهان به محضر حکیم عالی مقام شیخ علی نقی اصطهباناتی (متوفی ۱۱۲۹ ق) رسید و از پرتو کمالاتش فروغ گرفت، استاد دیگرش شیخ محمد دارابی (متوفی ۱۱۳۰) است که در حوزه درسی او به فراگیری احادیث اهل بیت اهتمام ورزید و از او اجازه روایی گرفت، در ادامه قطب الدین به درس محمد علی شیرازی سکاکی (۱۱۳۵) حاضر گردید و از علم عرفان وی بهره مند گردید. اما مهم‌ترین مربی این عارف زاهد، که به مدت هفت سال جرعه نوش چشمه حکمت و معرفت او بود، ملا محمد صادق اردستانی می‌باشد.

۱. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، ص ۷۱۸.

۲. الذریعة، ج ۱۳، ص ۱۹۶، ج ۱۴، ص ۳۷، ج ۱۶، ص ۴۱۰؛ الاجازة الکبيرة، ص ۱۴۴؛ دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۸۸-۱۸۹؛ آفاق نور، ش ۱۲، ص ۳۱۸.

۳. تراجم الرجال، ج ۱، ص ۲۸۴.



سید قطب الدین شیرازی علاوه بر احاطه بر علوم عقلی و تبهر در معارف ذوقی و عرفانی، در علوم نقلی نیز مهارت داشت و در علوم صوری و معنوی از جامعیت ویژه‌ای برخوردار بود. او در مباحث فلسفی، کلامی و عرفانی می‌کوشد از آیات قرآن و احادیث اهل بیت کمک بگیرد و این نهج را در آثار خویش آشکار ساخته است، و با وجود اهتمام در عرفان نظری و عملی، از مسائل سیاسی و اجتماعی نیز غافل نبود و در کتاب طب الممالک خطر سقوط دولت صفویه به دلیل رفتارهای مذموم برخی کارگزاران این سلسله و فاصله گرفتن آنان از ارزش‌های الهی و موازین شرعی را هشدار داده است.

معروف‌ترین اثرش فصل الخطاب نام دارد که به حکمة العلویة و حکمة العارفین موسوم است. انوار الولاية در اثبات خلافت و فضایل حضرت علی (ع)، شمس الحکمة، کنز الحکمة، الرجال و الیاقوت، مفرح القلوب، منظومه‌ای در اصول دین، ارجوزة فی اصول الفقه از دیگر آثار اوست. سید بحرالعلوم از مهم‌ترین شاگردانش می‌باشد. چنان که آقا محمد میرآبادی هم از محضرش بهره برده است. وی خطر یورش افغان‌ها را به شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۶-۱۱۳۵ ق) گوشزد کرده بود، ولی در این باره نتیجه‌ای نگرفت و تا زمان تهاجم افغانه در اصفهان بود، سپس به برخی نقاط ایران از جمله مشهد مقدس مسافرت نمود و سرانجام به نجف اشرف رفت و در این شهر حوزه درسی تشکیل داد و سرانجام در هجدهم شعبان المعظم ۱۱۷۳ ق در هفتاد و سه سالگی رحلت نمود و پیکرش در وادی السلام حرم علوی دفن گردید.^۱

۸. مولا محمد اسماعیل مازندرانی خواجویی (متوفی ۱۱۷۳ ق)

محمد اسماعیل فرزند حسین فرزند محمد رضا و مشهور به خواجویی از مدرسان نامدار و حکمای شیعه در قرن دوازدهم هجری که آثار و احوالش با چند تن ملا اسماعیل نام دیگر مشتبه شده است.

۱. ستارگان حرم، ج ۲۸، ص ۳۷۱-۳۷۵؛ صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۳، ص ۱۳۱۱، و ۱۳۹۱؛ علل بر افتادن صفویه، ص ۱۹۶؛ حکیم متأله بیدآبادی، ص ۲۰۳؛ طبقات اعلام الشیعة، ج ۶، ص ۳۵۹؛ الذریعة، ج ۱۶، ص ۲۲۹.

صاحب روضات الجنات او را به علم، جامعیت در معقول و منقول، پرهیزگاری، حالات معنوی، متانت و وقار با غلظت می‌ستاید و می‌افزاید نادر شاه افشار که نسبت به هیچ کس تواضع نداشت، در برابر وی فروتنی می‌نمود.^۱ خواجه‌ی نرد شخصیت‌هایی چون مولا محمد جعفر بن محمد طاهر طوسی کرباسی (از شاگردان علامه مجلسی و فاضل سراب) علامه فاضل هندی، حکیم متألّه و عارف زاهد ملا محمد صادق اردستانی و تربیت یافته مکتب او مرحوم ملا حمزه گیلانی، شاگردی کرده است، حیات فکری و عرفانی وی با فتنه افغان مقارن گردید و در جریان محاصره اصفهان و تسلط افغان‌ها، و تحمیل گرانی، قحطی، بیماری و قتل عام اهالی این شهر، رنج‌ها دید و آزارها دید. وی در نوشته‌هایش به این ناگواری‌ها و تلخی‌ها اشاره کرده و از رخدادهای شومی که مشاهده کرده، نالیده است.^۲ خواجه‌ی در کتاب اربعین خود از مصائب مربوط به استیلای افغانه یاد نموده و نوشته است: زمانی که خون مؤمنان بر زمین ریخته شد و زنان مؤمنه اسیر کفره فجره شده‌اند.^۳

با این که مدتی از عمر با برکتش در حادثه المناک و مصیبت بار تهاجم خونین و وحشیانه افغانه (۱۱۳۵-۱۱۴۲ ق) گذشت، لحظه‌ای از تألیف، تحقیق، تدریس و ترکیه درون غافل نگردید.^۴

بعد از روی کار آمدن نادر شاه افشار و رفع فتنه مهاجمان، خواجه‌ی برای احیای حوزه علمیه اصفهان اهتمام ورزید، فضلا و اهل علم را فرا خواند، مجالس و محافل درسی و بحث‌های فکری و معرفتی را رونق داد و به ترویج فقه، حدیث، کلام و حکمت توجه نشان داد. پژوهش‌های این دانشمند دلسوز، عمیق، متقن و بر پایه معارف عقلی و نقلی می‌باشد. تعداد تألیفات او را تا حدود سیصد کتاب و رساله نوشته‌اند. به همت والای او، فلسفه صدرایی به تدریج نضج گرفت و عده‌ای از فقها، حکما و فضلا در محضرش زانوی ادب بر زمین سائیدند،

۱. روضات الجنات، ج ۱، ص ۱۱۴-۱۱۵.

۲. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۳۰، اعلام اصفهان، ج ۱، ص ۵۵۶.

۳. الاربعون حدیثاً، ص ۳۸۹-۳۹۰.

۴. رجال اصفهان، ج ۱، ص ۳۱۷.



آقا محمد بیدآبادی، ملا محمد مهدی نراقی، میرزا ابوالقاسم مدرس، ملا محراب گیلانی و میرزا شهید خراسانی اصفهانی در زمره پرورش یافتگان حوزه درسی این بزرگوار می‌باشند. خواجه‌جویی در یازدهم شعبان ۱۱۷۳ قمری در اصفهان رحلت نمود و پیکرش در تخت فولاد حوالی مزار استادش فاضل هندی دفن گردید^۱. برخی منابع رجالی از جمله فوائد الرضویه تصور کرده‌اند، در یک زمان دو نفر ملا اسماعیل خواجه‌جویی می‌زیسته‌اند: یکی فقیه متوفی در ۱۱۷۳ ق و دیگری حکیم رحلت یافته در ۱۱۷۷ ق که درست نمی‌باشد.^۲ خواجه‌جویی بین حکمای عصر صفویه و حکمای اربعه عصر قاجاریه که چراغ حکمت و معرفت را فروزان نگه داشتند، حلقه وصل به شمار می‌رود. حکیم میرزا ابوالحسن جلوه زواره‌ای (متوفای ۱۳۱۴ ق) از حکمای اربعه حوزه اصفهان نزد میرزا حسن نوری، فرزند ملا علی نوری مازندرانی (متوفی ۱۲۴۶ ق) شاگردی کرد، که ملا علی مذکور از شاگردان میرزا آقا محمد بیدآبادی است و حکیم بیدآبادی (متوفای ۱۱۹۸ ق) از پرورش یافتگان ملا اسماعیل خواجه‌جویی شاگرد ملا محمد صادق اردستانی است.^۳ مرتضی مدرس چهاردهی از اساتید سابق دانشگاه تهران ملا اسماعیل درب کوشکی را شاگرد ملا محمد صادق اردستانی دانسته و برخی هم از او پیروی کرده‌اند، که این موضوع اشتباه آشکار است چرا که درب کوشکی متوفای سال ۱۳۰۴ قمری است و تا زمان اردستانی چندین نفر فاصله وجود دارد.^۴

۹. ملا محمد نعیم طالقانی (متوفی ۱۱۶۰ ق)

محمد نعیم فرزند محمد تقی فرزند مولانا محمد جعفر فرشته، از بزرگان دانشمندان، حکما و عرفای قرن دوازدهم هجری که نخست حکمت را در قزوین نزد پدرش آموخت، آن گاه راهی اصفهان گردید و از محضر ملا محمد صادق اردستانی و بهاء‌الدین محمد معروف به فاضل هندی و برخی دیگر از مدرسان حوزه این شهر فیض برد و جامع معقول و منقول گردید

۱. حکیم متاله بیدآبادی، ص ۶۶-۶۷؛ اعلام اصفهان، ج ۱، ص ۵۵۷، تاریخ حکما و عرفای متأخر، ص ۸۶ و ۱۳۷.
۲. فوائد الرضویه، به اهتمام ناصر باقری بیدهندی، ج ۱، ص ۱۰۶.
۳. مجموعه آثار جلوه، مقدمه مصحح، ص ۲۵؛ تاریخ حکما و عرفای متأخر، ص ۸۵؛ میرزا ابوالحسن جلوه، حکیم فروتن، ص ۷۱.
۴. تاریخ فلاسفه اسلام، ص ۳۳، مجموعه آثار جلوه، ص ۲۵-۲۶.

و در فضای علمی و فرهنگی اصفهان به تدریس، تألیف مباحثه و مصاحبت با علمای معاصر خویش مشغول گردید، وی به هنگام یورش خوفناک و خونین محمود افغان به اصفهان، در سال ۱۱۳۵ ق رنج‌های فرساینده‌ای را متحمل گردید و در این فاجعه جمعی از خویشاوندان کشته شدند.^۱ او این ماجرای مرارت بار را این چنین گزارش نموده است:

زمانی تألیف این کتاب را از من خواستند که گردش روزگار تیغ خصومت آخته و بر مردم تاختند، لشکریان افغان اصفهان و حوالی آن را ویران نمودند و بیشتر مردم از جمله نزدیکان مرا نابود ساختند، خود نیز به قم مهاجرت کرده‌ام و گوشهٔ غربت گزیده و سخت آشفته خاطریم.^۲ ملا نعیم بعد از مدتی اقامت در قم و تألیف کتاب اصل الاصول در موضوع توحید و وجود، عازم طالقان می‌گردد و در روستای کرکبود سکونت اختیار می‌نماید، او در این آبادی کتابخانه‌ای نفیس حاوی آثار ارزنده و آموزنده بنیان می‌نهد، ولی در آن دوران ناامنی، عده‌ای به خانه‌اش هجوم می‌برند و کتاب‌های با ارزشی را که وی با رنج و مشقت فراهم آورده بود، با خود می‌برند.^۳

ایشان در طول ۲۵ سالی که در روستای مزبور ساکن بوده، به تألیف آثار، رسیدگی به امور شرعی و رفع معضلات اهالی اهتمام می‌ورزیده است. پرهیزگاری و صفای نفس وی باعث گردید تا اقشاری از مردم و بزرگان به دیدارش بیایند و به تقوا و ایمانش معتقد گردند و حالاتی را از او مشاهده نمایند که از مقامات معنویش حکایت می‌نماید.

ملا نعیم به آثار ملاصدرا توجه دارد و به وضوح از افکارش متأثر است، در مباحث معاد در کتاب منهج الرشاد به طریقی دیگر مشی می‌نماید و به صورت یک متکلم محقق موضوعات مورد بحث را تقریر می‌نماید، نسخه‌ای از این اثر به خط زیبای مؤلف در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود می‌باشد.^۴

۱. دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۲۰۳؛ حکیم متأله بیدآبادی، ص ۱۹۳؛ طبقات اعلام الشیعة، ج ۶، ص ۷۹۰.

۲. اصل الاصول، مقدمه مؤلف.

۳. تاریخ و جغرافیای طالقان، ص ۲۰۲.

۴. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، ص ۴۹۹-۴۵۰؛ دایرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۶۳.



به کتاب شرح اشارات خواجه نصیر طوسی، حواشی و تعلیقات مفصّل و تحقیقی نوشته و رساله‌ای در جبر و تفویض و قضا و قدر دارد، تعلیقاتی بر شرح جدید تجرید الاعتقاد و رساله‌ای در تشکیک وجود از او باقی مانده است.^۱

ملا نعیم‌ا به سال ۱۱۶۱ ق در گذشت و پیکرش در منتهی الیه جنوب غربی روستای کرکبود طالقان دفن گردید.^۲

۱۰. سید محمد ماجد حسینی کاشانی (قرن دوازدهم هجری)

محمد ماجد فرزند سید ابراهیم حسینی و نیای اعلای سید محمد تقی پشت مشهدی (متوفی ۱۲۵۸ ق) که ملا حبیب‌الله شریف کاشانی از وی به عنوان فاضل ادیب و فقیه حکیم نام می‌برد.^۳

نباید او را با سید ماجد بن سید هاشم حسینی^۴ یکی گرفت. مرحوم ضرابی می‌گوید: اصل سلسله پشت مشهدی، آقا سید ماجد مذکور است که در مراتب زهد و تقوا، سلیمان زمان به شمار می‌رفت، هنگامی که نادرشاه افشار در عراق عرب مجلس مباحثه و محاجّه بین علمای عامه و خاصه ترتیب داد، از ولایات عراق عجم و سایر نواحی ایران به تناسب هر منطقه‌ای، یک نفر عالم که از همه اقران و معاصرین اعلم و اتقی بود، انتخاب نمود و به صوب میعاد فرا خواند، از جمله این مشاهیر که از کاشان برگزیده شد، جناب سید مزبور بود، اما وقتی او به جانب غرب ایران روانه گردید، در کرمانشاه حالش منقلب گردید و روح پاکش به جانب روضه بقا خرامید و گویا در همان مکان دفن گشت. ضرابی در جای دیگر، ذیل سید ماجد پشت مشهدی، از این عالم بزرگوار به عنوان مجتهدی فقیه، با کمال زهد و تقوا یاد می‌نماید.^۵

حسن نراقی این دانشمند را از معاصرین شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۶ ق) می‌داند

۱. همان، ص ۴۹۹؛ تاریخ و فرهنگ قزوین، ج ۲، ص ۱۲۳۴.

۲. آشنایی با مشاهیر طالقان، ص ۳۲۷؛ دایرة المعارف تشیع، ج ۱۰، ص ۴۵۱.

۳. لباب الالقباب، ص ۱۱۵.

۴. درباره وی بنگرید به امل الآمل، ج ۲، ص ۲۲۶؛ لؤلؤ البحرین، ص ۱۳۵، روضات الجنات، ج ۶، ص ۶۷؛ سلافة العصر، ص ۴۹۲.

۵. تاریخ کاشان، ص ۲۸۰ و ۲۸۷.

و می‌افزاید از نسل وی دانشمندان نامداری برخاستند از جمله: میر عبدالحی و حاج سید محمد تقی و دیگران.^۱

مهم‌ترین اثر این شاگرد ملا محمد صادق اردستانی، کتابی است با عنوان ایقاظ النائمین و ایعاض الجاهلین در تحقیق حکم غنا، شامل مقدمه، دو مقصد و خاتمه است، حواشی بر اشارات و شفای ابوعلی سینا از دیگر تألیفات اوست. سید محمد ماجد حسینی کاشانی با میرزا ابراهیم خوزانی معاصر می‌باشد که قاضی لشکر نادرشاه بوده و رساله‌ای بر رد ایقاظ النائمین وی به نگارش در آورد، خوزانی در ۱۱۶۰ ق به قتل رسید.^۲

سید ماجد دارای سه فرزند پسر به اسامی سید جعفر، سید محمدعلی و سید ابراهیم بوده است، سید عبدالحی فرزند سید ابراهیم مذکور، دارای فرزندی گردید که یکی از آنان سید محمد تقی پشت مشهدی می‌باشد و دیگری سید عبدالرزاق (جدّ سادات یثربی کاشان) نام دارد، سید مرتضی، سید احمد و سید ابراهیم دیگر پسران سید عبدالحی بوده‌اند.^۳

برخی منابع، حکیم شهید سید محمد مهدی حسینی اصفهانی خراسانی (۱۱۵۲-۱۲۱۸ ق)^۴ را از جمله شاگردان ملا محمد صادق اردستانی معرفی کرده‌اند،^۵ در حالی که وی هیچ‌ده سال بعد از ارتحال این حکیم به دنیا آمده است، سید محمد مهدی محضر ملا اسماعیل خواجوی، شاگرد اردستانی را درک نموده است. سید محمد مهدی فرزند سید هدایت الله حسینی رساله‌ی جعلیه‌ی محمد صادق اردستانی را که درباره‌ی معنای جعل و ایجاد در حکمت، به سال ۱۱۲۱ قمری به زبان فارسی نوشته شده است، به زبان عربی برگردانیده است.^۶

۱. تاریخ اجتماعی کاشان، ص ۱۶۴-۱۶۵.

۲. طبقات اعلام الشیعة، ج ۶، ص ۶۲۸؛ الذریعة، ج ۲، ص ۵۰۵، شماره ۱۹۸۰.

۳. علما و دانشمندان کاشان، ص ۵۸۰-۵۸۱.

۴. درباره وی بنگرید به مقاله نگارنده، مندرج در گلشن ابرار، ج ۹، ص ۱۷۷-۱۷۹.

۵. دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۷۷.

۶. شرح رساله‌ی المشاعر، مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، ص ۶۵؛ دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۷۷.

در عرصه پژوهش و نگارش

حکیم ملا صادق اردستانی با وجود این که ایام آشفته‌ای را سپری می‌کرد و با نامالیقات آزار دهنده‌ای روبرو بود و در جریان فتنه افغان و محاصره اصفهان گرفتار دشواری‌های چندی شده بود، به علاوه عده‌ای از کارگزاران دولت وقت درباره‌اش نظر مساعدی نداشتند و تنگناهای رشک آلودی نیز او را تحت فشار قرار داده بود، نسبت به فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی، آموزش حکمت و معرفت و تدوین مباحث عرفانی اهتمام داشت و محصول تلاش‌های فکری و پژوهشی وی تألیفات متعددی می‌باشد که در ذیل فهرست توصیفی آنها از نظر خوانندگان می‌گذرد.

- حکمت صادقیه

این اثر تقریر درس اردستانی، به قلم و تقریر شاگردش حکیم دانا آخوند ملا حمزه گیلانی می‌باشد، وی چون در املاهای این اثر نفیس، نظر به تحقیق در مباحث زبده و محوری داشت، از ذکر برخی مسائل و مباحث فرعی اجتناب نموده است، موضوع این رساله درباره نفس و قوای مادی و معنوی می‌باشد و اردستانی در اقتدای به ملاصدرا و در نقد بر حکمت مشاء و دیدگاه‌های ابن سینا و طرفدارانش به تجرد خیال حکم می‌کند و درباره پیوند نفس کلی با اجسام مباحثی را مطرح می‌کند. شاگرد دیگر ملا محمد صادق، محمد علی فرزند محمد رضا، مقدمه‌ای مفصل بر این کتاب نوشته است. نوشتار حاضر بر بیست و هشت فصل مرتب گردیده که شیخ عبدالنبی قزوینی صاحب کتاب تتمیم امل الآمل بر فصول اول و دوم آن حاشیه نوشته است.^۱

- رساله در مبدأ و معاد

این اثر اگر چه صیغه‌ای کلامی دارد، ولی نویسنده طی مباحث آن می‌کوشد به کمک مطالب فلسفی و عرفانی و با تأثیر پذیری از آیات و روایات، این دو اصل اعتقادی را تبیین نماید. بخشی از آن به بحث اصالت وجود اختصاص دارد.^۲

۱. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۴، ص ۶۵؛ تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۴۹۱؛ شرح مشاعر، مقدمه جلال الدین همایی؛ آتشکده اردستان، ج ۲، ص ۳۱۵.
۲. دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۷۶؛ منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۴، ص ۵۸.

- رساله جعلیه صادقیه

مولانا محمد صادق اردستانی دو رساله در این باره دارد، یکی موسوم به رساله الجعلیه الصادقیه، که از نسخه خطی این اثر با تحریر مرحوم حاج سید حسین شهشانی بر می آید که مؤلف آن را در سال ۱۱۲۱ ق به پایان رسانیده است، رساله دیگر افادات ملا محمد صادق اردستانی در موضوع جعل است که در مجموعه ای به خط احمد بن محمد علی رشتی گیلانی موجود بوده و در کتابخانه سید محمد علی نیما و فتوحی زواره ای نگاهداری می شد و بعد از فوت وی آن را به سید محمد مشکوه (استاد دانشگاه) فروخته اند. متن این دو رساله که در اختیار ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی بوده است، در کتاب آتشکده اردستان درج گردیده است.^۱ این رساله را مولانا محمد مهدی فرزند هدایت فرزند محمد طاهر، که جدش از شاگردان مولانا محمد صادق بوده، از زبان فارسی به عربی ترجمه کرده، که نسخه مخطوطی از آن در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی موجود است.^۲

نظر اردستانی در بیان کیفیت نسبت میان جاعل، علت مفیض وجود و معجول و مفاض به نظر ملاصدرا نزدیک است که معلول را مرتبه نازل و وجود علت می داند.^۳

- رساله فی الوجود و الجعل

بخشی از مباحث وجود را که وی به نحو اختصار به زبان فارسی نوشته است، مرحوم سید جلال الدین آشتیانی در کتاب منتخبات آثار حکمای الهی ایران، در مقدمه رساله اسرار حسینی ملا عبد الرحیم دماوندی، آورده است.^۴ رساله حاضر را شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعه معرفی کرده است.^۵

- رساله ای در تفسیر آیه نور؛ وی در این نوشتار با تکیه به شیوه های کشف و اشراق،

۱. آتشکده اردستان، ج ۲، ص ۳۱۷؛ الذریعه، ج ۱۱، ص ۶۴، شماره ۱۰۳۳.

۲. فهرست کتب کلام، فلسفه و حکمت کتابخانه آستان قدس رضوی، ص ۱۱۷.

۳. شرح رساله المشاعر، مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، ص ۶۵.

۴. شرح مقدمه قیصری، مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، ص ۳۱.

۵. الذریعه، ج ۲۵، ص ۳۹، شماره ۱۹۶.



نکات تفسیری را مطرح نموده است.^۱

- تباشیر، اثری است با صبغه‌ای عرفانی و فلسفی و حاوی مباحث ذوقی^۲
- حواشیه بر بخش الهیات کتاب شفای ابوعلی سینا، محقق خوانساری در حاشیه‌هایی که بر کتاب شفا نوشته است از این اثر مطالبی نقل نموده است.^۳
- نیکی و بدی روزها؛ رساله‌ای است درباره سعد و نحس و اختیارات ایام، لیالی و ساعات شبانه روز که شیخ آقا بزرگ تهرانی نسخه مخطوطی از آن را در خاتمه کتاب مقباس المصاییح از علامه مجلسی مشاهده کرده است.^۴
- رساله توفیق؛ حاوی مباحثی در توافق بین مباحث حکمت و شریعت.^۵
- رساله تشریح کلام قدمای حکمای مجوس در مبداء عالم.
- حاشیه بر حکمت الاشراق سهروردی.
- رساله ابطال تناسخ در پاسخ بر طبعیین.
- شرح رساله کلمه التصوف شیخ اشراق.
- فرائد الفوائد.
- حاشیه بر شرح هیاکل النور.
- رساله‌ای در مدارج حروف.
- روائح الجنان.
- فرس نامه.
- جواب مسایل متفرقه، که در واقع حاوی پاسخ به پرسش‌های سید علی حسینی در

۱. الذریعة، ج ۴، ص ۳۳۴، شماره ۱۴۲۷.

۲. رجال اصفهان، ج ۱، ص ۳۱۶؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۸۳.

۳. ریاض الجنة، ج ۳، ص ۳۱۵-۳۱۶؛ جزوه شرح حال مولانا محمد صادق اردستانی، ص ۱۳؛ اعلام اصفهان، ج ۳، ص ۴۹۴؛ آتشکده اردستان، ج ۲، ص ۳۸۳.

۴. الذریعة، ج ۲۴، ص ۴۳۶-۴۳۷، شماره ۲۲۸۵.

۵. دیوان و تاریخ حزین، ص ۳۳؛ علامه مجلسی بزرگ مرد علم و دین، ص ۲۳۷.

موضوعات کلامی، حکمی و عرفانی می‌باشد.^۱

از نگاه مورخان و دانشوران

۱. ابوالحسن قزوینی از مشاهیر مورخان اواخر دوره صفوی، می‌نویسد: علامه زمان و وحید دوران ملا محمد صادق اردستانی، شاگردانی معتبری تربیت کرد که هر کدام از آنان فضیلت تمام داشتند.^۲

۲. حزین لاهیجی که محضر این حکیم را درک کرده است، درباره‌اش گفته است: به خدمت سلطان المحققین، افضل الحكماء الراسخین، المولی الاعظم و البحر الاعلم، مظهر المعارف و الحقایق، مکمل علوم السوالف و اللواحق، محی الحکمة ابوالفضایل مولانا محمد صادق اردستانی علیه الرحمه که از متوطنین اصفهان و به تدریس زمره‌ای از ازکیای افاضل می‌پرداخت، رسیده، به استفاده مشغول شدم. وی از اساطین حکماء بود و قرن‌ها باید که مثل او کسی از میان دانشمندان برخیزد.^۳

۳. ملا حمزه گیلانی که از کمالات این حکیم فیض وافی برده است، در معرفی وی نوشته است: دانشمند آگاه به معارف شریعت غرّا به قوه عقل و نقل، محدث و فقیه متکلم و ناظر به مناظر آفاق و انفس به نور اشراق، برهان فضل و یقین، فاضل کامل عالم، عارف ربانی ملا محمد صادق اردستانی.^۴

۱. دیوان و تاریخ حزین، ص ۳۳؛ دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۷۶. اگرچه این موضوع قطعی است که کتاب کلید بهشت از تالیفات قاضی سعید قمی است، اما برخی از منابع کتاب کلید بهشت را هم از آثار حکیم اردستانی برشمرده‌اند که قطعاً خطا است. چنانکه برخی هم آن اثر را از آثار ملا رجبعلی تبریزی (متوفی ۱۰۸۰ ق) و برخی نیز از تالیفات فاضل هندی (متوفی ۱۱۳۵ ق) درج کرده‌اند که آنها نیز صواب را نپیموده‌اند. ر.ک: طبقات اعلام الشیعة، ج ۶، ص ۳۶۰؛ الذریعه، ج ۱۸، ص ۱۳۲، شماره ۱۰۶۴؛ کلید بهشت، قاضی محمد سعید قمی، به کوشش سید محمد مشکوه، مقدمه مصحح، ص ۳۰-۳۱؛ دومین دو گفتار، ص ۳۱، ۳۵ و ۴۳؛ اعلام اصفهان، ج ۳، ص ۴۶ و نیز ص ۴۹۵؛ ستارگان حرم، ج ۲، ص ۷۳.

۲. فواید الصفویه، ص ۷۸.

۳. دیوان تاریخ حزین، ص ۳۲-۳.

۴. حکمت صادقیه تقریر درس ملا محمد صادق اردستانی، ص ۶۵.



۴. میرزا محمد زنوزی (۱۱۷۲-۱۲۱۸ ق) از فضلا و مشاهیر علما، می‌گوید: مولا محمد معروف به صادق دانشمند فاضل کامل، محقق مرفق، حکیم متکلم، فیلسوف عارف، متبحر در علوم و معارف، عالمی جلیل‌الشان و عظیم‌المرتبه معاصر علامه مجلسی که پژوهش‌های رشیق و لطیفی دارد و اوست سرور و آقای حکمای متأخر و سند عرفای متأله، از مشایخ خویش ابعاد تبجر، حالات عرفانی و زهد زیادش را شنیدم.^۱

۵. شهید آیت الله مطهری: ملا محمد صادق اردستانی مردی حکیم و زاهد بود که مورد بی‌مهری برخی معاصرین قرار گرفته و در سال ۱۱۳۴ قمری در گذشته است.^۲

۶. سید جلال‌الدین آشتیانی از مدرسان و محققان حکمت و عرفان نوشته است: ملا محمد صادق اردستانی در زهد، ورع و ریاضت‌های شرعی و ظهور کرامات، حالاتی حیرت‌انگیز داشت، در علوم نقلی نیز از افاضل زمان بود و آثارش از نهایت تعبدش به شریعت حکایت دارد. او ملازمت دائمی به عبادت داشت.^۳ در عصر شاه سلطان حسین صفوی، مولانا محمد صادق اردستانی حکیم و عارف نامدار از اساتید فن عرفان و فلسفه بود.^۴ یکی از محققان حکما و متألهان ایران در دوره صفویه ملا محمد صادق اردستانی است که در علوم نقلی و عقلی وحید عصر خویش بود و در زهد و تقوا از نوادر دوران به شمار می‌آید.^۵

۷. علامه جلال‌الدین همایی از ادبا و دانشمندان معاصر: ملا محمد صادق اردستانی از رجال ممتاز اواخر عهد صفوی و اهل زهد، ریاضت و کشف و کرامات بود. در تدریس فلسفه و عرفان تخصص و تعین داشت. طالبان علم را تربیت و ارشاد می‌فرمود. وی از افاضل حکما و عرفای قرن دوازدهم هجری به شمار می‌رود که در سنه ۱۱۳۴ ق، هنگام محاصره اصفهان به دست افغانه، وفات یافت.^۶

۱. ریاض الجنه، ج ۳، ص ۳۱۵-۳۱۶.

۲. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۳۰.

۳. اصول المعارف، ص ۸.

۴. شرح مقدمه قیصری، ص ۳۱.

۵. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۴، ص ۵۷.

۶. تاریخ اصفهان، (مجلد ابنیه و عمارات)، ص ۳۹۷ و ۴۱۳.

اتهامی واهی و مورد تأمل

یکی از موضوعاتی که اولین بار از سوی ابوالحسن صفوی مورخ اواخر قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری مطرح گردید، این است که می‌نویسد: ملا محمد باقر مجلسی طریقه صوفیه را برانداخت و جمیع مشایخ صوفیه را از اصفهان بیرون کرد از آن جمله ملا محمد صادق اردستانی، همراه بیست نفر از شاگردان معتبرش که هر یک فضیلت تمام داشتند که یکی از آنان شیخ محمد علی حزین لاهیجی است، از این شهر اخراج کردند.^۱ متأسفانه این ادعای مورد تأمل به برخی منابع متأخر هم راه یافته است، مرحوم ملا عبدالکریم گزی متوفی در ۱۳۴۱ ق نوشته است: ملا محمد صادق اردستانی که از عرفا و اهل ریاضات بود، و کراماتی هم از او نقل می‌کنند، معروف است که علامه مجلسی وی را از اصفهان، به گمان صوفی بودن، بیرون کرد و بعد پشیمان شد.^۲ مدرس تبریزی نیز مدعی است ملا محمد صادق اردستانی به امر مجلسی ثانی از اصفهان تبعید گردید.^۳ شیخ آقا بزرگ تهرانی هم می‌گوید: ملا محمد صادق اردستانی شاگردانی در مدرسه‌ای عرفانی گرد آورد، مرحوم مجلسی که امام جمعه و شیخ الاسلام حکومت صفوی بود از جانب این دولت، حکیم مزبور را از اصفهان طرد نمود زیرا متهم به گرایش‌های عرفانی گردیده بود و چون خلاف آن ثابت گردید، از ایشان خواست به شهر بر گردد، اما او در تخت فولاد که آن زمان بیرون شهر بود، ماند.^۴ برخی معاصرین هم گفته‌اند: با قدرت گرفتن فقیهان در اصفهان، این حکیم را از شهر بیرون رانندند، وی در قبرستان منزل کرد تا این که درگذشت، اما حتی از دفنش در تخت فولاد جلوگیری کردند و ناگزیر پیکرش در کنار پل خواجه به خاک سپرده شد.^۵ و نیز داود الهامی از

۱. فواید الصوفیه، ص ۷۸.

۲. تذکرة القبور، ص ۲۳.

۳. ریحانة الادب، ج ۱، ص ۱۰۴.

۴. طبقات اعلام الشیعة، ج ۶، ص ۳۶۰.

۵. اعلام اصفهان، ج ۳، ص ۴۹۴؛ دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۷۷.



نویسندگان معاصر که در آثار خود غالباً حکیمان وارسته و عارفان راستین را همچون صوفیان افراطی و منحرف می‌داند و معتقد است حکمای الهی وارث قدمای صوفیه بوده‌اند، می‌گوید علامه مجلسی مخالف و منکر آنان است و می‌افزاید: اینگونه نگرش درباره فلاسفه و عرفا در حدی بود که باعث گردید ملا محمد صادق اردستانی بعد از اذیت و آزار، به امر مجلسی تبعید و اخراج گردد.^۱

درباره این گزارش‌ها، خاطر نشان می‌گردد:

۱. ابوالحسن قزوینی که کتاب خود را در سال ۱۲۱۱ هجری نگاشته است، اولاً بدون ذکر منبعی خاص، مطالبی در این باره ارائه داده است، در ثانی اظهاراتش دقیق نبوده و به نظر می‌رسد به دلیل گرایش‌های صوفیانه و افکار تعصب گونه، چنین اتهامی را به مجلسی دوم نسبت داده است، این که می‌گوید مجلسی، لاهیجی شاگرد ملا صادق اردستانی را اخراج نموده است، این شخصیت در هنگام رحلت علامه مجلسی هفت ساله بوده است، به علاوه لاهیجی در تاریخ و سفرنامه خود از مرحوم مجلسی ستایش کرده و چون به شاگردی نزد حکیم اردستانی اشاره می‌کند، از مسئله اخراجش توسط مجلسی سخن به میان نمی‌آورد در حالی که می‌گوید حکیم مزبور هنگام محاصره اصفهان به وسیله افغانه درگذشت.^۲ متأسفانه برخی شرق شناسان و نویسندگانی چون دکتر شبلی معری پایه آگاهی‌های خود را درباره مجلسی، براساس همین عبارات قزوینی نهاده‌اند و آن را به عنوان موضع افراطی این محدث عالی قدر درج نموده‌اند.^۳

۲. دوران جوانی حکیم اردستانی با ایام سالخوردگی علامه مجلسی مقارن است و با این وصف حکیم مزبور شهرت و نفوذی آن چنان نداشته است که باعث هراس مخالفان صوفیه، از وی گردد، به علاوه هیچ یک از معاصرین و شاگردان اردستانی به این ماجرا کوچکترین اشاره‌ای نکرده‌اند، هم چنین حکیم اردستانی طبق مدارک موجود و با بررسی آثارش از زمره

۱. موضع تشیع در برابر تصوف در طول تاریخ، ص ۳۵۰-۳۵۱.

۲. تاریخ و سفرنامه حزین، ص ۱۷۹.

۳. صوفیه در عصر دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۵۸۸؛ زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۰۷-۱۰۹.

صوفیان و صاحبان خانقاه و خرقة نبوده، بلکه عارفی الهی و عابدی زاهد به شمار می‌رفته که به موازین اعتقادی و شرعی اسلام و آموزه‌های قرآنی و روایی پابند بوده است، هر چند برخی صوفیه از جمله زین العابدین شیروانی و معصوم علیشاه کوشیده‌اند این شخصیت را به مشاهیر اهل تصوف منسوب بدانند.^۱

۳. دکتر عبدالحسین زرین کوب که نظر منصفانه و نگرشی محققانه به مسائل تاریخی دارد، معتقد است واقعه مزبور نمی‌تواند واقعیت داشته باشد و اگر هم این ماجرا رخ داده است نمی‌توان آن را به علامه مجلسی مرتبط دانست و مولانا محمد صادق اردستانی تا پایان عمر در حوزه اصفهان به تدریس حکمت اشتغال داشت، به علاوه غلبه برخی از ظاهرگرایان و افراد سطحی نگر و مخالفت شدید آنان با حکما و عرفا، حتی برای علامه مجلسی مزاحمت‌هایی به وجود می‌آورد و کسانی چون میر لوحی اصفهانی، مجلسی اول و دوم را به نظر تخطئه و انکار می‌نگریستند.^۲

در واقع محمد تقی مجلسی در سیره نظری و عملی تمایلات عارفانه داشته، ولی در تهذیب نفس و سلوک عرفانی به روایات اهل بیت (ع) و امور شرعی توجه می‌نموده است و چون عده‌ای از مغرضان وی را به صوفی‌گری متهم کردند، علامه مجلسی چنین اتهامی را منکر گردید و والد خویش را صاحب ملکه زهد و ورع دانست، که در این راستا به اخبار معصومین (ع) تمسک می‌نمود.^۳

محقق سبزواری (متوفی ۱۰۹۰) که از مجلسی اول متأثر و از مشتاقان به حکمت و عرفان می‌باشد، و به منصب مهم امامت جمعه اصفهان منصوب گردیده بود، در کتاب روضة الانوار خود از اینکه عده‌ای در سخنرانی‌های خود به تفسیق و تکفیر افراد عالم و حکیم می‌پردازند اظهار نگرانی کرده و افزوده است برخی افراد برای گرم نمودن بازار خود نزد عوام الناس و

۱. رسایل حکیم سبزواری، ص ۱۰۲؛ اعلام اصفهان، جلد ۳، ص ۴۹۳؛ بستان السیاحه، ص ۳۳؛ طرائق الحقایق، ج ۳، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۲. دنباله جستجو در تصوف ایران، زرین کوب، ص ۲۶۱.

۳. صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۵۳۰؛ زندگانی علامه مجلسی، ج ۲، ص ۲۰.



تقویت دکان خویش به دیگران می‌تازند.^۱

۴- بنابر آنچه از آثار، موضع گیری‌ها و اندیشه‌های علامه مجلسی برمی آید، وی به مقدار زیادی روشی معتدل داشت و اگر با طریقه‌ای مخالف بود، نه تنها برخورد عملی و رفتاری خشن و افراطی نداشت، بلکه از برخورد لفظی و گفتاری علیه روشی که بر نمی‌توانید، احتراز می‌کرد. نقد این محدث عالی قدر علیه تصوف، علمی، مستند و صادقانه و دلسوزانه است و در برابر افراط گرایانه صوفیان از سیره و سخن اهل بیت (ع) سخن می‌گفت، به علاوه وی با جنبه‌هایی از تصوف مخالف بود که در آن گزاره گویی، بدعت، انحطاط و انحراف دیده می‌شود، در واقع نگران این است که آفت‌هایی مسموم و علف‌های هرز مانع رشد و شکوفایی عرفان اصیل گردد. مجلسی در رساله جواهر العقول معایب صوفیه را مثل عیوب برخی متشرعه بر می‌شمارد و در کتابی با عنوان جواب مسائل ثلاث متذکر می‌گردد البته در هر طائفه‌ای جمعی نفوذ می‌کنند که آنان را ضایع می‌نمایند، باید میان عرفای عظامی که حامیان دین مبین در ذکر، فکر، تزکیه و ارشاد می‌باشند، با طریقه صوفیه‌ای که به مشایخ خود منصوب‌اند و چرخ زدن و سماع کردن و برجستن و شعرهای عاشقانه در میان ایشان رواج دارد تمایز قائل گردید، درباره فلاسفه‌ای که بر عقول خود تکیه دارند و از اطاعت انبیاء و اولیاء سرباز می‌زنند، علامه مجلسی نظری مخالف دارد، همچنین نظرش در خصوص حکیمانی که آیات قرآن و احادیث اهل بیت را به گونه‌ای تعبیر می‌کنند تا با گفته کافران یونانی سازگاری داشته باشد، نقد و رد و انکار است.^۲

در صورتی که حکیم اردستانی به دلیل تبهر در معقول و منقول و زهد و تقوی، اهتمام در پایبندی به شرع مقدس، التزام عملی و نظری به سنت‌ها و آداب دینی و فقهی و عدم لغزش در اندیشه، گفتار و اعمال، نه تنها مورد تکفیر و نفرت علامه مجلسی قرار نگرفته بلکه مشمول انتقادهای وی هم نمی‌باشد و از مجموعه اقوال این گونه استنباط می‌گردد که مقام علمی و معنوی حکیم اردستانی اجل از این بوده است تا علامه محمد باقر مجلسی او را قدح کند

۱. روضة الانوار، ص ۴۰۳، ۵۹۹ و ۶۰۲.

۲. جستجو در تصوف ایران، ص ۲۶۰-۲۶۱؛ علامه مجلسی، ص ۲۰۹-۲۱۱.

خصوص آنکه ملا محمد صادق در هنگام نفوذ فرهنگی و اجتماعی این بزرگوار، هنوز شهرتی به دست نیاورده بود و اشتهارش بعد از ارتحال مرحوم مجلسی بوده است.^۱

۵- مخالفت با ارباب معرفت و حکیمانی که احیاگر معارف ایمانی و عرفان ناب شیعه بوده‌اند و کوشیده‌اند از طریق برهان‌های عقلی مباحث کلامی و اعتقادی را تقویت کنند. توسط طوایفی از پیروان اهل سنت و جماعت از اشاعره و معتزله آغاز گردید و متأسفانه این عناد با حکما و عرفای شیعه به برخی پیروان اهل بیت که نگرش‌های سطحی و عوام‌پسند داشته‌اند، چون آفتی خطرناک رخنه نمود و از فرزاندگانی چون علامه مجلسی بعید است چنین نهج آسیب‌زایی را پیموده باشند و اصولاً علمای شیعه افکار حکمای مسلمان در موضوعات اعتقادی را تأثیر پذیرفته از فرهنگ و معرفت معصومین دانسته‌اند و مخالفان حکیمانی چون ملا محمد صادق اردستانی که مؤمن به سنت و شریعت است، جاهلانی می‌باشند که از روی نادانی و عدم وجود انصاف به دشمنی با خردمندی و تعقل که قرآن و حدیث بر آن تأکید و تصریح دارد، کمر بسته‌اند یا آن که جمع‌کثیری به دلیل تقرب به عوام الناس و جهال به مذمت و تقبیح اهل حکمت پرداخته‌اند و این گونه موضع‌گیری‌ها از علامه مجلسی با آن منزلت والای علمی و سیاحت معنوی، دور می‌باشد. مرحوم شیخ انصاری مکرر شاگردان خود را از این رویه مذموم برحذر می‌داشت و متذکر می‌گردید علت تکفیر برخی مشاهیر متشرع و متدین، هوای نفس و کسب شهرت در میان اقشار غافل و جاهل بوده است و از این بابت چون بید بر خود می‌لرزم و خدا را سپاس می‌گویم که در عمر خود به چنین ذنب لایغفوری آلوده نشده‌ام.^۲

ادعایی نادرست

عده‌ای از رجال نگاران صوفی مسلک مدعی گردیده‌اند از علل اختلال سلطنت و انقراض دولت صفویه در زمان فرمانروایی شاه سلطان حسین صفوی، مخالفت با اهل تصوف است،

۱. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۴، ص ۵۷-۵۸؛ آتشکده اردستان، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲. اصول المعارف، مقدمه مصحح، ص ۸؛ منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۴، ص ۳۷-۳۸.



سپس نوشته‌اند: مقرب سبحانی ملا محمد صادق اردستانی (قدس سره) که وحید زمان و مزید دوران بود بعد از ایدای بسیار توسط این حاکم، به فرمان وی از اصفهان اخراج گردید و در طول راه طفل صغیرش بر اثر برودت هوا و شدت سرما وفات یافت.^۱ رضاقلی خان هدایت نیز نوشته است: حکیم اردستانی در عصر شاه سلطان صفوی به بیرون از اصفهان تبعید گردید و عیالش از شدت سرما جان سپردند.^۲ باستانی پاریزی نوشته است: مولانا محمد صادق اردستانی که مردی حکیم و مجرد بود، با وجود سرمای زمستان، از اصفهان، بدون جُرمی، در زمان شاه سلطان حسین صفوی همراه عیال، نفی بلد گردید و اطفالش از سردی هوا و فقدان لباس و غذا، در صحرا بمردند،^۳ که تناقض در این مطلب آشکار است، زیرا از یک سو حکیم اردستانی مجرد است و همسری برنگزیده و خانواده‌ای تشکیل نداده، اما از جانب دیگر در این تبعید همسر و فرزندانش از بین می‌روند! در خصوص چنین گزارش‌های غیر واقع باید گفت:

۱. با توجه به قرائن و شواهد متعدد، شاه سلطان حسین پادشاهی ضعیف‌الرای، سست عنصر و نسبت به امور کشور، بی تفاوت بود و با توجه به وضع روحی وی و آشفتگی اوضاع، ملایمت رفتار و اهمال و سستی او، بعید بلکه محال می‌نماید که این شاه بی کفایت چنین دستوری داده باشد، البته احتمال دارد به تحریک خواجه سرایان و درباریان فاسد اما با نفوذ، اقشاری از مردم و حتی علما دچار آزارها و تنگناهایی گردیده باشند اما سخن در این است که اخراج ملا محمد صادق مأخذ یا اعتباری ندارد و گاهی چنین تصمیمی را به دستگاه صفوی و زمانی به علامه مجلسی نسبت می‌دهند.^۴
۲. سلطان حسین صفوی خود گرایش‌هایی عرفانی آمیخته به خرافات و موهومات داشت.

۱. ریاض السیاحه، ص ۲۷؛ طرائق الحقایق، ج ۳، ص ۱۶۵.

۲. روضة الصفای ناصری، ج ۸، ص ۴۹۸.

۳. سیاست و اقتصاد عصر صفوی، ص ۳۸۹.

۴. زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۹۱-۱۹۳؛ علامه مجلسی بزرگ مرد علم و دین، ص ۴۸۶-۴۸۷.

موقعی که توسط عده‌ای از سخنرانان در جمع عوام، اهل عرفان آشکارا مورد لعن و طعن قرار گرفتند، قطب الدین نیریزی در این باره به شاه گزارش داده است: در برخی محافل و مجالس دائم عرفا و حتی اجداد شما را مورد مذمت قرار می‌دهند و از این نکات بر می‌آید که سلطان مذکور اقدام به اخراج حکما و عرفا، ننموده است. او وقتی کسی را مورد عنایت خویش قرار می‌داد، وی را صوفی صافی ضمیر می‌خواند و بدین گونه محبت خود را نسبت به ایشان اظهار می‌داشت.^۱ مؤلف رستم التواریخ می‌نویسد: او را توحید خانه‌ای بود از افراد پاک سیرت و نیکو سریرت و صوفیان با ضمیر صاف که شب و روز به ذکر اسماء‌الله همراه افغان و نفیر مشغول بوده‌اند.^۲ با این وصف چگونه امکان دارد پادشاهی با چنین خصالی، فرمان اخراج بلد و تبعید حکیمی نامدار و عارفی ستوده خصال را صادر کرده باشد.

البته در این که حکیم مورد اشاره تحت فشار حسودان و بی‌مهری عده‌ای از معاصرین کج فکر قرار داشته و عوام الناس به همراه کارگزارانی محروم از ایمان و غرق در فساد و رذالت‌ها شرایط دشواری را به وی تحمیل کرده‌اند و او را گرفتار بلایا و صدماتی نموده‌اند، تردیدی نمی‌باشد، اما او به رغم این ناملایمات و اذیت‌ها به تلاش علمی، فکری و آموزشی خویش ادامه داده و در این راستا کارنامه‌ای پر بار و میراثی گرانبه‌تر از خود به یادگار نهاده است.^۳

فرزندان و نوادگان

ملا محمد صادق اردستانی در همان سنین جوانی و هنگامی که در حوزه اصفهان مشغول دانش‌اندوزی و کسب کمالات گردیده بود، به سنت رسول اکرم (ص) عمل کرد و با بانوئی نیکو خصال و عقیف که از خانواده‌ای متدین و نیکو سرشت پرورش یافته بود، ازدواج نمود، محصول این پیوند پاک سه پسر می‌باشد.

۱. زندگی‌نامه علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ صفویه در عصر دین، فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۵۹۰.

۲. رستم التواریخ، ص ۹۰.

۳. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۵۳۰؛ تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کرین، ص ۴۹۱؛ زندگینامه علامه مجلسی

ج ۱، ص ۱۹۶؛ مشعلی منیر در ظلمت کویر، ص ۱۰.



۱- حاج محمد ابراهیم

از علما و مشاهیر قرن دوازدهم هجری که به دلیل آشفتگی‌های سیاسی اجتماعی حاکم بر اصفهان، از این دیار به سوی یزد کوچ نموده و در این شهر سکونت اختیار نموده است. محمد ابراهیم پسری به نام حاج محمد اسماعیل داشته که در زمره فضلا و روحانیون یزد بوده و هنگام بازگشت از سفر حج در منطقه بحر احمر رحلت نموده است. از حاج محمد اسماعیل چهار پسر باقی ماند. آقا محمد مهدی معروف به پاشنه طلایی که در شمار علمای نامدار و فضلاء اهل فضیلت یزد بود، در کتابخانه بزرگی که دایر نموده بود، نسخه‌های خطی نفیس و نادری نگاهداری می‌شده که مورد مراجعه و استفاده مشاهیر محقق و مولفان این منطقه قرار می‌گرفته است، شیخ عبدالحسین معروف به آقا عبدالحسین، عالم جلیل القدر ساکن اصفهان، اما در سنین میان سالی در این دیار فوت نموده و پیکرش در ضلع غربی بقعه حاج شیخ محمد جعفر آباده‌ای، در تخت فولاد اصفهان، دفن گردیده است، سومین پسرش محمد اسماعیل معروف به میرزا آقاست که اهل فضل و کمال بوده و فرزندی به نام حاج شیخ ابوالقاسم هرنندی (۱۳۵۷ ش) داشته است، مرحوم هرنندی علاوه بر پیمودن قله‌های علمی و دینی در امور عام المنفعه پیش قدم بوده است، وی اولین کسی می‌باشد که کارخانه برق را به سال ۱۳۱۱ ش در کرمان بنا نهاد، کارخانه‌های ریسندگی و بافندگی و سیمان و نیز چندین کارگاه کوچک و بزرگ توسط او در کرمان و توابع تأسیس گردید. وی کتابخانه‌ای جنب مسجد جامع کرمان دایر نمود که مورد استفاده محققان و سایر علاقه مندان قرار گرفت، این کتابخانه که حاوی نسخه‌های خطی با ارزش بود به آستان قدس رضوی تقدیم گردید.

شیخ عبدالصالح فرزند دیگر محمد مهدی پاشنه طلایی یزدی است، این روحانی فاضل با آخوند ملا عبدالکریم گزی معاصر بوده و وی در کتاب تذکرة القبور از این عالم تمجید نموده است.^۱ از مشاهیر پرآوازه این خاندان، شیخ محمد حسین فرزند محمد اسماعیل فرزند

۱. طبقات اعلام الشيعة، ج ۶، ص ۳۵۹ و ۷۵۳؛ تذکرة القبور، ص ۲۳-۲۴؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان



محمد مهدی پاشنه طلا و نواده ملا محمد صادق است. وی در یزد رشد و نمو یافت و بعد از سپری کردن دوران کودکی و نوجوانی نزد علمای زادگاهش شاگردی کرد آنگاه عازم اصفهان گردید و در محضر حاج شیخ محمد ابراهیم کرباسی به تحصیلات خود در فقه و اصول ادامه داد، سپس به عتبات عراق مهاجرت نمود و به حوزه درسی شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهرالکلام و شیخ اعظم انصاری حاضر گردید، تا آن که به درجات والایی از علم، معرفت و معنویت نائل گردید و در میان علما و بزرگان عراق مقامی عالی بدست آورد. وی با چنین توانایی‌های فکری و معرفتی عازم کربلا گردید و در مجاورت آستان حسینی به تدریس، ارشاد مومنان و ترویج شعائر دینی اهتمام ورزید. سید هاشم حائری قزوینی متوفی به سال ۱۳۲۷ ق، شیخ علی بفرئی مدرس (متوفی ۱۳۲۴ ق) و جمعی دیگر از فضلا در مکتب وی تربیت شدند. الکلمة الباقية در اخلاق اسلامی، القسطاس المستقیم در دانش منطق، الفلک المشحون در اصول فقه، مقالید الاحکام در فقه و آثاری دیگر، در زمره تالیفات اوست، شیخ محمد حسین یزدی حائری در ۱۲۷۳ ق در گذشت و پیکرش در جوار بارگاه حضرت امام حسین (ع) در مقبره رکن الدوله واقع در صحن صغیر دفن گردید.^۱

۲- ملا محمد طاهر

عالم فاضل و از مشاهیر قرن دوازدهم هجری که در اصفهان اقامت داشته است، پسرش ملا محمد صادق همچون مرحوم والدش اهل فضل و کمال بوده است، ملا محمد صادق ثانی، صاحب فرزندی به نام ملا محمد طاهر گردید که در زمره فقهاء و علمای اصفهان بوده است. ادیب شاعر ملا محمد صادق روشن، فرزند فاضل ملا محمد طاهر دوم می‌باشد. این سخنور

اصفهان، ص ۳۸۳؛ آتشکده اردستان، بخش اول، ص ۴۶ و نیز بخش دوم، ص ۳۱۸؛ بارگاه خانقاه در کویر هفت کاسه، ص ۴۵۴-۴۵۵؛ آئینه دانشوران، ص ۶۷۱؛ در شهر نی سواران، ص ۱۲۰؛ دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۶۵؛ مجموعه آثار محقق معاصر استاد حاج آقا مرتضی شفیعی اردستانی، اعقاب و احفاد مولانا محمد صادق اردستانی، ص ۳۵-۳۷.

۱. الکرام البررة فی القرن الثالث بعد العشرة، ج ۱، ص ۳۷۸؛ نجوم السرد بذكر العلماء یزد، ص ۷۴۷؛ زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۲۸۲؛ دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۶۵.



خوشنویس در ۱۲۳۵ ق متولد گردید و در حوزة اصفهان مشغول تحصیلات دینی و ادبی و کسب کمالات صوری، معنوی، حکمت و عرفان گردید و به دلیل صفای درون و خلوص عقیده و ارادت به ساحت مقدس خاندان طهارت به روشن اصفهانی موسوم و معروف گردید، چند سالی در عتبات عراق به ادامه تحصیلات حوزوی مشغول گشت، مدتی نیز در جوار آستان قدس رضوی اقامت گزید، آنگاه در سنین سالخوردگی به تهران مسافرت نمود و در این دیار که مرکز حکومت بود، مقیم گردید و با شخصیت‌های علمی، ادبی و کشور مأنوس و مألوف گشت، رضا قلی خان هدایت تصحیح آثار خود را به وی محول نمود، روشن در آنجا با مهارت خاصی به وراقی و صحافی هم مشغول بود. او در سرودن انواع شعر خصوص قصیده و غزل تبحر داشت و اقسام خط را نیکو می‌نوشت، روشن در اشعار خویش ارادت توأم با معرفت و بصیرت خود را نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) بروز داد و او را باید شاعر آئینی نامید، وی با زبان شعر وقایع و حماسه‌های عاشورا را به نحو جالب و جذابی گزارش نموده است، مرثیه‌هایش سوزناک و غم‌انگیز می‌باشد، دیوان اشعارش در سال ۱۳۱۷ ق به چاپ سنگی رسید. میرزا محمد صادق روشن به سال ۱۳۰۵ ق در تهران رحلت نمود و پیکرش به عتبات عالیات حمل گردید و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.^۱

۳- ملا محمد شفیع

معروف به ملا شفیع از فقهای قرن دوازدهم هجری که در اردستان مرجع امور شرعی مردم و مروج شریعت محمدی و تعالیم قرآن و عترت بوده، و در محله فهره این شهر ساکن بوده است. خانواده‌های شفیعی اردستان از نسل این عالم خدوم می‌باشند، ملا محمد تقی فرزند ملا محمد شفیع نیز فاضلی نیک نفس بوده و همچون پدرش زعامت امور دینی و شرعی اهالی را عهده دار بوده است. ملا احمد نوه ملا محمد مذکور نیز در اردستان به تدریس و فعالیت‌های ارشادی و رفع منازعات اشتغال داشته است، پسر ملا احمد ملا ابوالقاسم فاضلی

۱. مجمع الفصحاء، ج ۴، ص ۳۲۴؛ حدیقة الشعراء، ج ۱، ص ۶۹۱-۶۹۴؛ شمس التواریخ، ص ۸۴؛ طرائق الحقایق، ج ۳، ص ۷۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۷۲۳؛ اعلام اصفهان، ج ۳، ص ۵۹۸؛ اردستان نامه، ج ۱، ص ۵۴۷-۵۵۲؛ مجموعه آثار استاد مرتضی شفیعی اردستانی (دستنویس)، ص ۳۵.

آراسته به فضیلت بوده است، وی در زبان و ادبیات عرب تبحر داشته و اهالی از توانایی‌های علمی و ادبی وی بهره می‌برده‌اند. فرزندش شیخ عبدالحسین در محله فهره اردستان مکتب دار بوده است و عده‌ای از فضلالی منطقه نزد وی شاگردی نموده‌اند.

ملا محمد قاضی فرزند ملا احمد در زمره علماء و فضلالی قرن سیزدهم به شمار می‌رفته است. وی در اردستان مرجع رسیدگی به امور دینی، شرعی و قضایی بوده است و در آخر ربیع الاول ۱۳۹۵ ق رحلت نموده و در قبرستان محله فهره زادگاهش دفن گردیده است. ملا غلام علی (۱۲۶۹-۱۳۴۴ ق) پسر اوست که همچون پدر و نیاکان خویش به حل و فصل امور شرعی، حقوقی و قضایی اقشار گوناگون رسیدگی می‌کرده و در تنظیم اسناد شرعی تبحر خاصی داشته است. شیخ احمد شفیعی اردستانی (۱۲۷۷-۱۳۴۴ ق) فرزند مرحوم آخوند ملا علی، ضمن تصدی دفاتر اسناد رسمی، ازدواج، طلاق به راهنمایی، ارشاد اهالی و ترویج فرهنگ اسلامی مشغول بوده است. وی برای رفع گرفتاری‌های اجتماعی و حقوقی مردم صادقانه تلاش می‌نمود.^۱ استاد محقق حاج شیخ مرتضی شفیعی اردستانی، متولد ۱۳۰۸ ش، اولین پسر شیخ احمد شفیعی است که تحصیلات دانشگاهی خود را تا کارشناسی ارشد در علوم اجتماعی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران ادامه داد، آنگاه در آموزش و پرورش مشغول خدمات فرهنگی و اداری گردید، وی از پژوهشگران پرمایه، نکته سنج و اهل تتبع می‌باشد و تعدادی از آثارش در قالب نسخه‌های خطی در کتابخانه آیت الله مرعشی نگاه داری می‌شود، مقالات متعددی توسط این دانشور فروتن به رشته نگارش در آمده که برخی از آنها در جراید رسمی و منطقه‌ای به طبع رسیده است و حجم زیادی از نگاشته‌های او به صورت مخطوط و یا حروف چینی گردیده باقی مانده، که اغلب آنها در کتابخانه نگارنده نگهداری می‌شود. انتظار می‌رود مسئولین فرهنگی و اداری شهرستان اردستان حداقل نسبت به طبع و نشر بخشی از آثار وی که غالباً درباره مباحث تاریخی، رجالی، فرهنگی، ادبی و جغرافیائی این منطقه است، اقدام مقتضی مبذول نمایند و این نویسنده سخت کوش و با همت را از هاله گمنامی و مظلومیت بیرون آورند.

۱. آتشکده اردستان، ج ۱، ص ۴۷؛ همان، ج ۲، ص ۲۹۱ و ۲۹۸؛ مجموعه آثار استاد مرتضی شفیعی اردستانی، دست نویس، ص ۱۸-۲۴.



خاموشی مشعل معرفت

اوقات واپسین حیات دنیوی حکیم ملا محمد صادق اردستانی در شرایطی سپری گردید که دولت صفوی راه زوال را می‌پیمود و سرانجام آشفستگی و نا امنی‌های ناشی از این وضع موجب گردید محمود افغان که از طایفه افغانان ابدالی بود، به سوی ایران لشکرکشی کند و در سال ۱۱۳۴ قمری مرکز حکومت صفویه یعنی شهر اصفهان را به محاصره و تصرف خود درآورد. محاصره‌ای که باعث قحطی شدید، گرسنگی و تلفات انسانی و سرانجام سقوط این دیار گردید. حکیم اردستانی شاهد این مصائب و خرابی‌ها گردید و ناظر این وضع اسف بار بود که هنگام فتح اصفهان متجاوز از یکصد هزار نفر از مردم، توسط متجاوزان اشغالگر کشته شدند، جمع کثیری بر اثر بیماری و گرسنگی تلف شدند.^۱ اگر چه او با نوعی استقامت و پایداری ناشی از پرهیزگاری، این فجایع را تحمل کرد اما پیکر فرسوده‌اش نتوانست چنین صلابت روحی را تحمل کند و در همان سال حصر اصفهان (۱۱۳۴ ق) رحلت نمود و روان وارسته‌اش به سوی سرای باقی شتافت.^۲ بدنش را در جنوب شرقی پل خواجه بر روی سکویی دفن کردند، به همین دلیل به آخوند پُلی معروف گردید و عوام الناس آن را تحریف نمودند و به او آخوند پلوی می‌گفتند و این گونه اشاعه دادند که هرکس بر سر مزارش برود و فاتحه‌ای بخواند، پلو خواهد خورد.^۳ بعد از تعریض خیابان منتهی به تخت فولاد اصفهان و هنگام تسطیح سکوی مزبور، بقایای پیکر حکیم اردستانی را مرحوم آقا سید زین العابدین پاقلعه‌ای و در سکوی کوچکی جلوی روی قبر ناصرعلی گله کار و در حوالی آب انبار کازرونی و در نزدیکی مرقد فاضل هندی دفن نمود، بر سنگ قبرش نوشته‌اند: آرامگاه عارف معارف دین و عارج معارج یقین مرحوم ملا محمد صادق اردستانی.^۴

۱. تاریخ ایران زمین، ص ۲۹۱-۲۹۲؛ کیهان اندیشه، شماره ۷، مرداد و شهریور ۱۳۶۵، ص ۴۲-۴۳.

۲. نجوم السماء فی تراجم العلماء، ص ۲۵۳؛ دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۸۳.

۳. ریحانة الادب، ج ۱، ص ۱۰۴، تذکرة القبور، ص ۲۴.

۴. تاریخ اصفهان (مجلد تکایا و مقابر)، ص ۳۹۸ و ۴۱۳؛ دیدار با فیلسوفان سپاهان، ص ۱۷۷؛ اعلام اصفهان، ج ۳،

ص ۴۹۴؛ دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۰.

منابع

قبر مرحوم میرزا محمد سعید اردستانی (۱۲۰۴-۱۲۵۹ ق) شاعر و ادیب و دانشور سخنور که در سروده‌های خود «فدا» تخلص می‌کرد، مجاور مرقد حکیم اردستانی می‌باشد.^۱

۱. الاجازة الكبيرة، سید عبدالله موسوی جزایری شوشتری، به کوشش محمد سمایی حائری، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۴۰۹ ق
۲. الاربعون حدیثا، اسماعیل خواجه‌یوبی، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، کتابخانه آیت الله الصدر الخادمی، موسسه انصاریان، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق
۳. اصل الاصول، ملا نعیم طالقانی، به کوشش سید جلال الدین آشتیانی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، چاپ اول، ۱۳۵۷ ش
۴. اعلام اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، اضافات: غلامرضا نصراللهی، اصفهان، سازمان فرهنگ شهرداری اصفهان، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش
۵. آثار و افکار حکما و عرفای مشهور، از قرن دوازدهم تا عصر حاضر، اعظم رجالی، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی خوارسگان، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش
۶. تاریخ اردستان، ابولقاسم رفیعی مهرآبادی، به کوشش محمد رفیعی مهرآبادی، اضافات حاج آقا مرتضی شفیعی اردستانی، تهران، دهخدا، ۱۳۶۷ ش
۷. تاریخ اصفهان (مجلد ابنیه و عمارات)، جلال الدین همایی، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران، نشر هما، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش
۸. تاریخ ایران زمین، محمد جواد مشکور، تهران، اشراقی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش
۹. تاریخ تخت فولاد اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی، اصفهان، انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش

۱. تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۷۶.

۱۰. تاریخ حکما و عرفای متأخر، منوچهر صدوقی سها، تحریر ثافی، تهران، حکمت، ۱۳۸۱ ش
۱۱. تاریخ فلسفه اسلامی، هانری کربن، ترجمه سید جواد طباطبایی، تهران، کویر، ۱۳۷۳ ش
۱۲. تاریخ و جغرافیای طالقان، سید محمدتقی میرابولقاسمی، تهران، ندا، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش
۱۳. تاریخ و سفرنامه حزین، محمد علی حزین لاهیجی، به کوشش علی دوانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳
۱۴. حکیم استرآباد میرداماد، سید علی موسوی بهبهانی، تهران، موسسه اطلاعات، ۱۳۷۰ ش
۱۵. حکیم عارف، گلی زواره، در مجموعه ستارگان حرم، ج ۲۸، قم، زائر، ۱۳۸۱ ش
۱۶. دانشمندان آذربایجان، محمدعلی تربیت، تبریز، فخرآذر، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش
۱۷. دانشنامه تخت فولاد اصفهان، مجموعه فرهنگی و مذهبی تخت فولاد، زیر نظر اصغر منتظر القائم، اصفهان، سازمان فرهنگی شهرداری اصفهان، ۱۳۸۹ ش
۱۸. دانشنامه گلستان، به اهتمام موسسه فرهنگی میرداماد گرگان، به سرپرستی رحمت الله رجائی، گرگان، نشر بنام، چاپ اول، ۱۳۹۵ ش
۱۹. دایرة المعارف تشیع، زیر نظر بها الدین خرمشاهی و دیگران، تهران، نشر سعید محبی، چاپ ۱، ۱۳۸۳
۲۰. دیدار با فیلسوفان سپاهان، محمدرضا زاد هوش، تهران، موسسه فلسفه و حکمت ایران، ۱۳۹۱ ش
۲۱. دیوان و تاریخ حزین، محمد علی حزین لاهیجی، تهران، کتاب فروشی خیام، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش





۲۲. الذریعة الى تصانیف الشيعة، شیخ آقا بزرگ تهرانی، نقحه و زاده فيه ابن المؤلف احمد منزوی، قم، اسماعیلیان
۲۳. رسایل حکیم سبزواری، تعلیق، تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، تهران، اسوه، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش
۲۴. رستم التواریخ، محمد هاشم آصف (رستم الحکما)، به اهتمام محمد مشیری، تهران، سپهر، چاپ دوم، ۱۳۵۳ ش
۲۵. روضه الصفاى ناصرى، رضا قلی خان هدایت، تصحیح، جمشید کیان فر، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۰
۲۶. ریاض الجنة، میرزا محمد حسن حسینی زنوزی، به کوشش علی رفیعی علامرودشتی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۸۴ ش
۲۷. ریاض الشعراء، علی قلی واله داغستانی، تصحیح محسن ناجی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴ ش
۲۸. ریحانة الادب، محمد علی مدرّس تبریزی، تهران، خیام، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش
۲۹. زندگینامه علامه مجلسی، سید مصلح لدین مهدوی، اصفهان، انتشارات حسینیه عمادزاده، بی تا
۳۰. سر و ته یک کرباس، سید محمد علی جمال زاده، تهران معرفت، چاپ اول، ۱۳۴۴ ش
۳۱. سیاست و اقتصاد عصر صفوی، محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، انتشارات صفی علیشاه، چاپ سوم ۱۳۶۲ ش
۳۲. سید محمد مهدی اصفهانی خراسانی حکیم شهید، غلامرضا گلی زواره، در مجموعه گلشن ابرار، ج ۹، قم، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، ۱۳۸۹ ش
۳۳. سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان، مرتضی سیفی فمی تفرشی، قم، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش



۳۴. شرح رساله المشاعر، محمد جعفر لاهیجی، با تعیقات، تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی و مقدمه جلال الدین همایی، تهران، مکتبه الاعلام الاسلامی، بی تا
۳۵. شرح مشاعر ملا صدرا، محمد جعفر لنگرودی، به کوشش سید جلال الدین آشتیانی، تهران، زوار، ۱۳۴۳
۳۶. صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست، رسول جعفریان، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۹۱ ش
۳۷. طبقات اعلام الشيعة، شیخ آقا بزرگ تهرانی، به کوشش علی نقی منزوی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش
۳۸. طرائق الحقایق، معصوم علیشاه، به کوشش محمد جعفر محبوب، تهران کتابخانه بارانی، ۱۳۴۵ ش
۳۹. علما و مشروعیت دولت صفوی، سید محمدعلی حسینی زاده، قم، انجمن معارف اسلامی، ۱۳۷۹ ش
۴۰. فوائد الصفویة، ابوالحسن قزوینی، تصحیح مریم میر احمدی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش
۴۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، عبدالحسین حائری، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلی شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۴۶ ش
۴۲. قاضی سعید قمی جو بیار حکمت، غلامرضا گلی زواره، در ستارگان حرم، ج ۲، قم، انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش
۴۳. کلیات اشعار مولانا فیض کاشانی، با مقدمه سید محمدعلی صغیر و تصحیح محمد پیمان، تهران، کتابخانه سینایی، چاپ اول، ۱۳۵۴ ش
۴۴. کلید بهشت، میرزا محمد سعید حکیم قمی، تصحیح سید محمد مشکوه، تهران، انتشارات الزهرا (س)، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش

۴۵. لباب الالقباب فی الالقباب الاطیاب، حبیب الله شریف کاشانی، با تعلیقات آیت الله شبیری زنجانی، قم، موسسه تراث الشیعه، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش
۴۶. مجله آینده پژوهش، سال پنجم، آذر-دی، ۱۳۷۳ ش، شماره ۲۸
۴۷. مجله حوزه، سال دهم، مهر و آبان، ۱۳۷۲ ش، ش ۵۸ (مقاله مدرسه فلسفی قزوین در عصر صفویه، عبدالحسین صالحی شهیدی)
۴۸. مجله کتاب شیعه، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۹ ش
۴۹. مجله کیهان اندیشه، شماره ۷۰، بهمن و اسفند ۱۳۷۵ ش
۵۰. مجله نقد و نظر، سال ۱۵، ش ۴ (مقاله تحلیل انتقادی اشکالات ملا شمسایلیانی و ملا محمدصادق اردستانی بر نظریه ملاصدرا درباره حدوث نفس، ابوالحسن غفاری)
۵۱. مجمع الفصحاء، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، امیرکبیر، چاپ اول چاپ اول، ۱۳۳۶ - ۱۳۴۰ ش
۵۲. مجموعه آثار محقق معاصر استاد حاج آقا مرتضی شفیعی اردستانی، مخطوط و غیر مطبوع، قم، کتابخانه و کاوشکده گلستان
۵۳. مجموعه مقالات پنجمین کنگره تحقیقات ایرانی، به کوشش مرتضی تیموری، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۳ ش، ج ۱.
۵۴. مرآة الاحوال جهان نما (سفرنامه)، آقا احمد بهبهانی، تحقیق موسسه علامه وحید بهبهانی، قم، انصاریان، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش
۵۵. مشعلی منیر در ظلمت کویر، غلامرضا گلی زواره، قم، حضور، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش
۵۶. منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، به اهتمام سید جلال الدین آشتیانی، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش
۵۷. مولانا محمد صادق اردستانی، مرتضی شفیعی اردستانی، جزوه غیر مطبوع، تهران، ۱۳۸۷ ش

۵۸. میرزا ابوالحسن جلوه: حکیم فروتن، غلامرضا گلی زواره، تهران، معاونت پژوهش
تبلیغات اسلامی، چاپ ۱۳۷۲ ش

۵۹. نام‌ها و نامدارهای گیلان، جهانگیر سرتیپ پور، رشت، نشر گیلکان، ۱۳۷۱ ش

۶۰. نجوم السماء فی تراجم العلماء، محمد علی آزاد کشمیری، تصحیح میر هاشم
محدث، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش

